



Suicide Attempt in Women's Meaning System in Shiraz City:A qualitative research

Halimeh Enayat^{✉1} | Soulmaz Kavianifar²

¹. Corresponding Author, Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Economics & Social Science, shiraz University, shiraz, Iran; E-mail: henayat@rose.shirazu.ac.ir

2. Master of Women Studies, Department of Social Sciences, Faculty of Economics & Social Science, shiraz University, shiraz, Iran; E-mail: s.kavianif90@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2024 - 11 - 14

Received in revised form: 2024 - 12 - 24

Accepted: 2025 - 3 - 17

Published online: 2025-5-10

Keywords:

Suicide Attempt, Women,
Social Exclusion, Capability
Poverty, Grounded Theory.

The purpose of this study was to study the Context, reasons and consequences of suicide attempt in the meaning system of women in Shiraz city. for this purpose, the qualitative approach and grounded theory method have been used. the participants of this study were 14 women who had suicidal attempts and were selected using purposive and theoretical sampling. The data were collected through a deep interview. for data analysis, the three-step continuous analysis of Strauss and Corbin was used. the findings included 6 main categories (violence, dysfunctional family, subculture of substance abuse, social isolation, poverty and marital conflicts) were extracted. After combining and categorizing, "the exclusion of women in the context of capability poverty" was identified as the core category and the central phenomenon of research. the consequences of suicide attempt include physical, psychological and social consequences, which have been reported in most of these women negatively. efforts to improve the economic, cultural and social status of women in society can be effective in preventing suicide attempt.

Cite this article: Enayat, H; Kavianifar, S; (2023) Suicide Attempt in Women's Meaning System in Shiraz City:A qualitative research, *Journal of Social Problems of Iran*, 15 (2),219-243.

<https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.385283.671274>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.385283.671274>



اقدام به خودکشی در نظام معنایی زنان شهر شیراز: یک مطالعه کیفی

حليمه عنایت^۱ | سولماز کاویانی فر^۲

۱. نویسنده مسئول؛ استاد جامعه شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، رایانame: henayat@rose.shirazu.ac.ir
۲. ارشد مطالعات زنان، گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران؛ رایانame: s.kavianif90@gmail.com

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر مطالعه زمینه، دلایل و پیامدهای اقدام به خودکشی در نظام معنایی زنان در شهر شیراز بوده است. به این منظور از رویکرد کیفی و روش نظریه‌ای زمینه‌ای استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان این پژوهش ۱۴ نفر از زنانی بودند که سابقه‌ی اقدام به خودکشی داشته‌اند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌ی عمیق جمع‌آوری شدند و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مقایسه‌ای مداوم سه مرحله‌ای استرس و کوربین استفاده شده است. یافته‌های به دست آمده شامل ۶ مقوله‌ی (خشونت، خانواده‌ی نابسامان، خرد و فرهنگ مصرف مواد، انزواه اجتماعی، فقر و تعارضات زناشویی) است. پس از ترکیب و تلفیق مقولات، «طرد زنان در بستر فقر قابلیت» به عنوان مقوله‌ی هسته و پدیده‌ی مرکزی پژوهش شناسایی گردید. پیامدهای اقدام به خودکشی شامل پیامدهای جسمی، روانی و اجتماعی بوده است که در بیشتر این زنان منفی گزارش شده است. تلاش در جهت بهبود و ارتقای وضعیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی زنان در جامعه، می‌تواند در پیشگیری از مسائلی چون اقدام به خودکشی مؤثر باشد.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

کلیدواژه‌ها:

اقدام به خودکشی، زنان، طرد

اجتماعی، فقر قابلیتی، نظریه‌ی

زمینه‌ای..

استناد: عنایت، حليمه و کاویانی فر، سولماز (۱۴۰۳) اقدام به خودکشی در نظام معنایی زنان شهر شیراز: یک مطالعه کیفی، بررسی مسائل اجتماعی ایران، (۲) (۱۵)، ۲۱۹-۲۴۳. <https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.385283.671274>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسنده‌ان

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2025.385283.671274>

مقدمه و بیان مسائله

یکی از علل عمده‌ی مرگ غیرطبیعی در جهان، خودکشی است و هیچ دوره‌ای از تاریخ را نمی‌توان یافت که مواردی خودکشی^۱ در آن ثبت نشده باشد، اما برخورد علمی با این پدیده به نسبت تاریخ زندگی بشری پیشینه‌ای ندارد. اولین نگرش علمی به خودکشی در سال ۱۷۳۷ به همت دی فانتن^۲ بوده است. وی برای اولین بار کلمه Suicide را در فرانسه به کار برد و در سال ۱۷۶۲ آکادمی علوم فرانسه آن را پذیرفت (اسلامی نسب، ۱۳۷۱: ۷۳). امیل دورکهایم^۳ در اثر معروف خود به نام خودکشی آن را پدیده‌ای اجتماعی به شمار آورده و چنین تعریف می‌کند: «خودکشی عبارت است از هر نوع مرگی که نتیجه‌ی مستقیم یا غیرمستقیم کردار منفی یا مثبت خود قربانی است که می‌بایست چنان نتیجه‌ای به بار آورد» (دورکهایم، ۱۳۷۸: ۶).

خودکشی سومین علت مرگ و میر در جمیعت ۱۵ تا ۲۹ سال است و سازمان بهداشت جهانی^۴ تخمین زده است که هرساله بیش از ۷۰۰ هزار نفر بر اثر خودکشی می‌میرند (۲۰۲۴، سازمان بهداشت جهانی). اهمیت این مسئله همچنین باعث شده است که روز دهم سپتامبر به عنوان روز جهانی پیشگیری از خودکشی^۵ نامگذاری شود.

در نظر بسیاری از صاحب‌نظران علوم اجتماعی، خودکشی امری اجتماعی است که برای بررسی آن باید به پدیده‌های اجتماعی دیگر رجوع کرد (احمدی و ابوترابی، ۱۳۹۱: ۶۴). زیرا فرد، خانواده و جامعه یک مثلث را تشکیل می‌دهند که اختلالات رفتاری در هریک از آن‌ها سبب ایجاد آسیب‌ها و پیدایش مسائل بسیاری در جامعه می‌گردد (ستوده، ۱۳۸۶: ۵۴). یکی از دلایل اصلی مطالعه‌ی مسائل اجتماعی، بهبود جامعه است. جامعه‌شناسان معتقدند بسیاری از مسائل اجتماعی را می‌توان محدود کرد و لو نتوان به طور کامل از میان برداشت (مشونیس، ۱۳۹۵: ۳۱).

وجود خودکشی در جامعه نشانگر نابسامانی، انحراف و نابهنجاری و مشکلات اجتماعی است (براتوند و مهری، ۹۰: ۱۳۹۰). هرچه میزان خودکشی در جامعه افزایش یابد، نابسامانی‌های اجتماعی هم بیشتر می‌شود و حتی ممکن است به بحران اجتماعی هم منتهی گردد. خودکشی جوانان باعث از بین رفتن سرمایه‌های انسانی جامعه می‌شود، با خودکشی سرپرست یا مادر خانواده تعداد افراد بی‌سرپرست جامعه افزایش می‌یابد که همین مسئله، نرخ انحرافات و بزهکاری‌ها را در جامعه افزایش می‌دهد (شایگان، ۱۳۸۲: ۹۰-۸۹).

رئیس گروه دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی درباره وضعیت آمار خودکشی در ایران بیان کرده است طبق خلاصه سالنامه پژوهشی قانونی در سال ۹۸، ۹۸ نفر خودکشی کامل داشتند که از این تعداد ۳۶۲۶ نفر از آنها مرد و ۱۵۱۷ نفر از آنها زن بودند، این درحالیست که در سال ۹۷ طبق این گزارش، ۵۱۰۱ نفر بر اثر خودکشی کامل فوت کردند (ایستا، ۱۳۹۹).

در ایران، استان فارس یکی از استان‌هایی است که به لحاظ اقدام به خودکشی جزء پنج استان اول کشور محسوب می‌شود. میزان اقدام به خودکشی در کل کشور ۱۰۶ در صد هزار نفر است، در حالی که در استان فارس این میزان ۱۱۵ در صد هزار نفر است که رقم بالاتری را نسبت به نرخ کشوری نشان می‌دهد و نشانگر این است که خودکشی در استان فارس وضعیت نگران‌کننده‌ای دارد (عنایت و حسینی: ۱۳۹۶: ۳۱۹). در شهر شیراز نرخ اقدام به خودکشی میزانی بالاتر از میانگین استانی را نشان می‌دهد. آمارها نشان می‌دهد

1. Suicide

2. De Funten

3. Durkheim

4. World Health Organization

5. World Suicide Prevention Day

که میزان خودکشی در شهر شیراز در سال ۱۳۹۱ زیر حد میانگین استان بوده است اما در سال ۱۳۹۴ بالاتر از حد میانگین استانی را نشان می‌دهد. این بدان معنا است که در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ خودکشی در این شهر افزایش داشته است (عنایت و حسینی: ۱۳۹۶: ۳۲۱).

مدیرکل امور اجتماعی وزارت کشور نیز با اشاره به تحقیقات کشور اعلام کرده است که زنان بیشتر از مردان اقدام به خودکشی کرده‌اند و علت اصلی آن را اختلافات خانوادگی و باورهای متضاد زنان و مردان در زندگی مشترک دانسته است (خسروری و خاقانی‌فر، ۱۳۸۳: ۱۱۱-۱۰۹). پرداختن به مسائل زنان و وضعیت آنان در جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است. چراکه از طرفی تقریباً نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند و از طرف دیگر نقش غیر قابل انکاری در ثبات خانواده و حفظ بهداشت روانی افراد جامعه دارند (فیلی، ۱۳۸۶: ۵۷). بنابراین برای تقلیل میزان خودکشی و کاستن از آثار نامطلوب آن، شناخت مسائلی که منجر به اقدام به خودکشی می‌شود، دارای اهمیت و ارزش فراوان است.

با توجه به آمارهای منتشر شده، خودکشی و اقدام به خودکشی در جامعه‌ی ایران در حال افزایش است. مطابق نظر صاحبنظران علوم اجتماعی خودکشی و اقدام به آن بیش از اینکه مسئله‌ای فردی باشد، مسئله اجتماعی محسوب می‌شود و بیانگر نابسامانی در نظام اجتماعی جامعه است. از آنجا که ایران کشوری در حال گذار معرفی می‌شود، تغییرات رو به رشد و تضادهای شدید بین باورهای سنتی و واقعیت‌های اجتماعی انگیزه‌ی خودکشی را در افراد بالابرده است و بهنوبه‌ی خود به افزایش آسیب‌های اجتماعی در جامعه دامن زده است. اکثر مطالعات انجام‌شده در زمینه‌ی خودکشی بیانگر این است که هرچند آمار خودکشی منجر به فوت در بین مردان بیش تر است اما زنان همواره بیشتر از مردان اقدام به خودکشی می‌کنند؛ بنابراین با توجه به این واقعیت و نقش مهم و تأثیرگذار زنان در حیات اجتماعی جامعه، مطالعه‌ی اقدام به خودکشی در نظام معنایی زنان، برای کشف واقعیت‌ها، دلایل و پیامدهای آن ضروری به نظر می‌رسد. بی‌شک بدون آگاهی و پژوهش در مورد مسائل و انحرافات اجتماعی هرگز نمی‌توان آن‌ها را کنترل و یا از تکرار آن‌ها پیشگیری نمود؛ بنابراین برای تغییر و بهبود موقعیت زنان و افزایش آگاهی و توانمندی آنان در جامعه‌ی ایران نیاز است که با دیدگاهی علمی به بررسی وضعیت و مسائل آنان در اجتماع پرداخت. حال سوال اساسی این است که زنان تحت چه شرایطی اقدام به خودکشی می‌کنند؟ اقدام به خودکشی چه پیامدهایی برای زنان دارد؟ بسترها مشترک در بین زنان اقدام‌کننده به خودکشی کدامند؟ عوامل مداخله‌گر کدامند؟ و زنان از چه روش‌هایی برای اقدام به خودکشی استفاده می‌کنند؟

پیشینه پژوهش

هنری و شورت^۱ در یکی از مطالعات خود درباره‌ی میزان‌های خودکشی، متوجه شدند که میزان خودکشی و قتل عمد در دوره‌های کساد اقتصادی افزایش می‌یابد. آنها مسئله را چنین تبیین می‌کنند که خودکشی و قتل عمد، هر دو اعمالی پرخاشگرانه‌اند؛ پرخاش در خودکشی متوجه خود فرد است، حال آنکه در قتل عمد متوجه فرد یا افراد دیگر (تايلر، ۱۳۷۶: ۲۷-۲۶).

پژوهش پيرسون و فيليپس (۲۰۰۲) در مورد اقدام به خودکشی در میان زنان روستایی چین نشان داده است بیشتر آنها متأهل، کم سعاد و مقید و محصور هستند و فرهنگ آنها صحبت‌کردن در مورد مشکلات فردی با افراد بیرون از خانواده را تشویق نمی‌کند. دوريس و همکاران (۲۰۱۱) اولویت دادن به مسئله‌ی خشونت در راهبردهای کاهش خودکشی برای زنان را به دلیل شیوع بالای

افکار خودکشی و اقدام به خودکشی و ارتباط قوی آن با خشونت علیه زنان ضروری دانسته اند. نتایج پژوهش کاواک و همکاران

(۲۰۱۸) نیز نشان داده است که با افزایش نرخ بروز خشونت در زنان، خطر خودکشی در آنها نیز افزایش می‌یابد.

چین یکی از محدود کشورهایی است که نرخ بالای خودکشی زنان در سراسر دنیا را گزارش کرده است. نتایج مطالعه سان و ژانگ

(۲۰۱۷) نشان داده است اقدام به خودکشی زنان در مقایسه با مردان، به طور عمده تحت تأثیر عوامل اجتماعی بوده است و عوامل

اجتماعی به طور بالقوه نقش محکمی در اقدام به خودکشی زنان چینی ساکن روستا ایفا کرده‌اند. همچنین مطالعه روجاس و استکلی

(۲۰۱۴) نیز نشان داده است فقدان سرمایه‌ی اجتماعی غیررسمی همواره با افزایش نرخ خودکشی زنان جوان در اروپا و آمریکای

شمالی معاصر مرتبط بوده است.

وایس و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای بر روی افکار خودکشی و اقدام به خودکشی زنان در معرض خطر دریافتند بیشترین

عوامل مرتبط به افکار خودکشی مربوط به افسردگی و استرس است و فراوانی افکار خودکشی، سابقه خانوادگی افسردگی و تجربه

خشونت با اقدام به خودکشی در ارتباط است؛ همچنین آسیب دوران کودکی و خشونت خانگی/اجتماعی خطر اقدام به خودکشی در

زنان را افزایش می‌دهد. یونس و همکاران (۲۰۲۳) در مطالعه خود دریافتند که زنان جوان عراقی از روش‌های بالقوه کشنه‌ای چون

خدوسوزی استفاده می‌کنند که پیامد افسردگی و خشونت خانگی و اجتماعی در بین آنها است. این پژوهش یکی از مؤلفه‌های کلیدی

در پیشگیری از خودکشی را بهبود دسترسی و افزایش کیفیت خدمات بهداشت روانی و اجتماعی می‌داند.

یافته‌های مطالعات داخلی نشان داده است که میزان خودکشی در افراد متأهل بیشتر از افراد مجرد است، خودکشی در زنان بیشتر

از مردان و در زنان متأهل بیش از زنان مجرد است و بالاترین میزان خودکشی مربوط به زنان خانه‌دار و افراد محصل بوده است

(عارفی ۱۳۸۱). همچنین خودکشی بین باسادها بیشتر از بی‌سودادها، در شهر بیش از روستا، در میان زنان خانه‌دار و در طبقات پایین

بیشتر از بقیه افراد و خودکشی‌های ناشی از اختلافات خانوادگی بیش از علل دیگر و خودکشی با آتش بیش از سایر وسایل بوده است

(کلدی و گراوند؛ ۱۳۸۱؛ مهران و همکاران ۱۳۸۳).

بیشترین علل اقدام به خودسوزی در زنان متأهل، خشونت خانوادگی و مشکلات زناشویی بوده است و اغلب زنان مورد مطالعه

جون، کم‌سوداد، خانه‌دار و کم درآمد بوده‌اند (امیرمرادی و همکاران، ۱۳۸۴). از بین خشونت‌ها، خشونت روانی بالاترین همبستگی را با

تمایل به افکار خودکشی داشته است (خسروی و خاقانی‌فرد، ۱۳۸۳؛ بنی‌فاطمه و همکاران، ۱۳۹۰).

کیوان آرا (۱۳۸۴) اذعان داشته است افرادی که از بیشینه داروئی استفاده می‌کنند از یک گروه فاقد قدرت می‌آیند و می‌کوشند به

وسیله‌ی این سیستم ارتباطی، بر دیگران کنترل پیدا کنند و در ایفای نقش بیمار و بیشینه داروئی، وسیله‌ای ارتباطی است برای بعضی

زنان تا بدینوسیله بر مردان برای تأمین نیازهای خود اعمال فشار نمایند. بر اساس یافته‌های عنبری و بهرامی (۱۳۸۹)، مهم‌ترین

عوامل مؤثر بر خودکشی فقر، بیکاری و اعتیاد، اختلاف فرهنگی بین نسلی، خشونت خانوادگی، ازدواج تحملی دختران و مخالفت

والدین در ازدواج پسران، اختلافات خانوادگی، طایفه‌گرایی، ناموس‌پرستی و حفظ آبرو و حیثیت خانواده، شکست عشقی و مشکلات

روحی- روانی بوده است؛ زنان و جوانان بیشترین قربانیان خودکشی بوده‌اند.

نتیجه مطالعه جمشیدیها و قلی پور (۱۳۸۹) در بررسی تفسیری خودکشی زنان و دختران لک، نشان می‌دهد که پرورش بر اساس

آموزه‌های مدرن و تقابل نسل جدید با نسل قدیم و اعمال فشار و کنترل سنت گرایانه نسبت به این نسل به تجربه بی‌قدرتی در

تعیین سرنوشت انجامیده و باعث شده است که تعدادی از زنان و دختران در نتیجه احساس بی قدرتی در تعیین سرنوشت به خودکشی

به عنوان یک راهکار روی بیاورند. همچنین پژوهش کیفی قاسمی و همکاران (۱۴۰۰) در خصوص خودکشی زنان اسلامی نیز بر تجربه

مدرنیته بی‌قواره به عنوان منشأ آسیب‌های اجتماعی مانند اقدام به خودکشی زنان تاکید دارد. مطالعه قادرزاده و پیری (۱۳۹۳) نشان داده است که اقدام‌کنندگان به خودکشی انواع گوناگونی از طرد اجتماعی را در محیط زندگی خود تجربه نموده‌اند. یافته‌های این مطالعه عنایت و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای کیفی به موضوع خودکشی زنان به روش خودسوزی پرداخته‌اند. یافته‌های این مطالعه مقولهٔ عمدۀ (خشونت، ناسازگاری و تعارضات زناشویی، نبود سرمایه اقتصادی- اجتماعی، اختلاف در شبکهٔ خویشاوندی، سوء مصرف مواد مخدر و انزوای اجتماعی) را شناسایی کرده است و عدم توأم‌نی‌ی زنان را از اصلی ترین دلایل اقدام به خودسوزی شناخته است. مطالعه رحمانی و همکاران (۱۴۰۲) در خصوص خودکشی زنان و دختران منطقه دیشمک نیز به پنج مقوله اصلی: عدم آگاهی و مهارت مدیریت زندگی؛ عدم رضایت از زندگی خصوصی؛ رسیدن به احساس بن‌ست در زندگی اجتماعی و زمینه‌های شخصیتی دست یافته است.

به علت بالا بودن نرخ جهانی اقدام به خودکشی زنان در مقایسه با مردان، مطالعات بسیاری اعم از داخلی و خارجی، با تأکید خاص بر زنان انجام شده است ولی بیشتر مطالعات به روش کیفی و توصیفی بوده است و موارد انگشت‌شماری از این مطالعات از رویکرد کیفی و به‌طور خاص روش نظریه‌ی زمینه‌ای برای درک علت و پیامدهای خودکشی بهره برده‌اند. علاوه بر این تحقیقات همواره به دلایل و علت اقدام به خودکشی پرداخته‌اند و از پرداختن به پیامدهای آن برای فرد بازمانده‌اند، در حالی که پرداختن به پیامدهای اقدام به خودکشی و ارائه‌ی راهکارهایی در جهت بهبود شرایط می‌تواند در پیشگیری از خودکشی مجدد مؤثر باشد.

چارچوب مفهومی

با توجه به اینکه پژوهش پیش رو از رویکرد کیفی و روش نظریه‌ی زمینه‌ای بهره جسته است، بنابراین چهارچوب نظری وجود ندارد و پژوهشگر در این روش بر خلاف پژوهشگران اثبات گرا و کمی گرا بدون استفاده از نظریه و فرضیه وارد میدان تحقیق می‌شود و نظریه‌ها صرفاً جهت آشنایی با مبانی نظری موضوع پژوهش و ایجاد حساسیت نظری است. در این پژوهش نظریه‌های خودکشی دورکیم، نظریه فشار ساختاری مرتون، رهیافت تفسیری داگلاس و جاکوبز و نظریه فمینیسم مورد توجه قرار گرفته است.

دورکیم استدلال می‌کرد که روندهای انحرافی و آسیب‌شناختی در جامعه‌ی امروزی را باید بر حسب عدم پیوستگی افراد با جامعه و تنظیم خواسته‌هایشان، تبیین کرد. وی با توجه به تصورش از نظم اخلاقی و اجتماعی، چهار شکل از خودکشی را تمایز کرد (تايلر، ۱۳۷۶: ۱۶)؛ که دو جفت در دوسویه‌ی یک طیف می‌باشد. در یک سو خودکشی نتیجه‌ی فقدان نسبی انسجام اجتماعی است و در سویه‌ی مقابل این طیف موقعیتی را داریم که قواعد اجتماعی و یا هنجارها بسیار قوی هستند و به شدت اعمال می‌شوند (کرایب، ۱۳۹۴: ۷۴-۷۵). خودکشی خودخواهانه با میزان یکپارچگی پایین و خودکشی نوع‌دوستانه با میزان یکپارچگی بالا پیوند دارد اما خودکشی تقدیرگرایانه با میزان نظرات بالا و خودکشی ناهنجارانه با میزان نظرات پایین پیوند دارد (دیلینی، ۱۳۹۴: ۱۵۰). دورکیم در نتیجه‌گیری خود از مسئله خودکشی به مفهوم بی‌هنجاری اشاره می‌کند و بر این عقیده است که در دوران بحران‌های شدید اقتصادی و اجتماعی و زمانی که فشار تورم در جامعه شدید است، احتمال خودکشی بیشتر می‌شود، زیرا در چنین موقعیت‌هایی هنجارهای اجتماعی بیشتر تضعیف می‌شوند (ستوده، ۱۳۸۶: ۲۲۴). خودکشی ناشی از بی‌هنجاری درست در برابر خودکشی‌های سنتی که از نوع خودخواهانه است، قرار می‌گیرد. در این نوع خودکشی، فرد به حیاتش نه از آن رو پایان می‌دهد که هنجاری را شکسته، یا به قانون مورد پذیرش گردن ننهاده، بلکه بدین سبب دست به خودکشی می‌زند که بعد از تلاش بسیار، زندگی را سراب، پیروزی‌ها را بی‌فرجام و حیات را پوج یافته است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۸). این نوع خودکشی از دیدگاه دورکیم بارزترین خصیصه‌ی جامعه‌ی جدید است، زیرا از طریق همبستگی موجود میان فراوانی خودکشی و مراحل ادواری اقتصادی می‌توان به وجود آن پی برد (ستوده، ۱۳۸۶: ۲۲۵).

رابرت مرتون (۱۹۶۸) نظریه فشار ساختاری خود را بر پایه‌ی نظریه‌ی بی‌هنگاری دورکیم تعمیم داد. این نظریه، انحراف را به عنوان نتیجه‌ی فشارهای ساختاری که مردم را تحت فشار قرار می‌دهد، تبیین می‌کند. از دیدگاه مرتون نه تنها خودکشی بلکه انواع رفتارهای انحرافی نیز حاصل شرایط بی‌هنگاری جامعه است (ستوده، ۱۳۰: ۱۳۷۶).

داگلاس یکی از مدعیان بزرگ رهیافت تفسیری در مطالعه‌ی خودکشی است. داگلاس ضمن انتقاد از نگرش دورکیم، استدلال می‌کند که جامعه‌شناسان باید از منابع اطلاعاتی استفاده کنند که حتی الامکان آنها را به دنیای درونی شخصی که خود را کشته است، نزدیک کند. این منابع شامل داده‌هایی از قبیل یادداشت‌های مربوط به خودکشی، شرح حال و مصاحبه‌های موردی با افرادی است که اقدام به خودکشی کرده‌اند (محسنی تبریزی، ۱۳۹۶: ۲۱۶). وظیفه‌ی بعدی پژوهشگر جستجوی ابعاد یا الگوهای رایج معناست. داگلاس این‌ها را مفاهیم اجتماعی خودکشی می‌داند. او استدلال می‌کند که مفاهیم اجتماعی و فرهنگ در مورد خودکشی، می‌تواند بر مفهومی که یک فرد برای عمل خودانتخاری قائل است، تأثیری عمده گذارد (داگلاس، ۱۹۶۷: ۸۹). جاکوبز نیز با انتقاد از دورکیم و دیگر جامعه‌شناسانی که به بررسی میزان خودکشی پرداخته‌اند؛ معتقد است که درک خودکشی صرفاً بر اساس ملاحظه‌ی دقیق چگونگی تعریف اشخاص منتظر از وضعیت، می‌تواند صورت گیرد (تاپلر، ۱۳۷۶: ۵۵).

رویکرد فمینیست‌های مارکسیست متفاوت است؛ مارکسیست‌ها فمینیست‌ها رفتار انحرافی را به تضادهای میان دو جنسیت مربوط می‌سازند که در اثر کشمکش‌های اقتصادی- اجتماعی معمول در جامعه‌ی مابعد صنعتی پدید آمده است؛ بدین معنی که زنان به علت زندگی حاشیه‌ای و محدود بودن در فضای خصوصی، بیشتر مرتکب جرائم جزئی و کمتر خشونت آمیز و خودآسیبی می‌گردند (متاز، ۱۳۸۷: ۱۷۷). از دیدگاه آنها کیفیت هر یک از تجارب فرد را باید نخست انعکاسی از موضع طبقاتی و سپس جنسیت او دانست (ریتر، ۱۳۸۹: ۴۸۲). همچنین احتمال اینکه زنان به دلیل بی‌قدرتی مورد نظرات غیررسمی واقع شوند و قربانی رفتارهای خشونت‌آمیز مردان باشند، زیاد است؛ مطابق این رویکرد، زنان بیش از مردان مورد نظرات غیررسمی واقع و خودکشی یک واکنش به فضای مقترانه و خشن موجود در خانواده است که خود زاییده‌ی محرومیت اقتصادی ناشی از نظام سرمایه‌داری است (متاز، ۱۳۸۷: ۱۷۹).

روش پژوهش

این پژوهش از رویکرد تحقیق کیفی و روش نظریه‌ی زمینه‌ای بهره جسته است. جامعه‌ی هدف این پژوهش زنانی بودند که اقدام به خودکشی کرده بودند و در شهر شیراز زندگی می‌کردند. محقق در ابتدا در پی زنان متأهلی بود که به خودکشی اقدام کرده بودند زیرا فرض بر این بود که آنان اطلاعات غنی درباره‌ی موضوع دارند، اما به تدریج و هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها، جامعه‌ی هدف به زنان ۱۶ سال به بالایی (فارغ از مجرد یا متأهل بودن) که اقدام به خودکشی کرده بودند و حداقل سه ماه از خودکشی آنها گذشته بود، تقلیل یافت.

از این بین تعداد ۱۴ نفر با استفاده از نمونه گیری هدفمند و نمونه گیری نظری انتخاب گردیدند که با توجه به اشباع داده‌ها، کافی نظر رسانید. با توجه به اینکه هدف مطالعه ورود به نظام معنایی مشارکت‌کنندگان در مورد مسئله‌ی اقدام به خودکشی و شناسایی دلایل زمینه‌ای آن بود، از تکنیک مصاحبه‌ی عمیق برای گردآوری داده‌ها، استفاده شد. مصاحبه‌ها بنا به صلاح‌دید و انتخاب مشارکت‌کننده، به صورت ضبط مصاحبه یا یادداشت‌برداری انجام شده است. محل انجام مصاحبه‌ها مرکز اورژانس اجتماعی شهر شیراز و مدت‌زمان مصاحبه‌ها بین ۳۰ دقیقه تا ۴ ساعت متغیر بوده است. همچنین برخی مصاحبه‌ها به دلیل طولانی شدن در دو نوبت صورت گرفته است.

در این پژوهش برای بررسی اعتقادپذیری داده‌ها، از تکنیک ممیزی و مقایسه‌ی تحلیلی استفاده شده است. روش مقایسه‌ی تحلیلی توسط پژوهشگر انجام شده است و روش ممیزی به این صورت که اساتید متخصص به عنوان ممیز بر مراحل انجام کار، مفاهیم و مقوله‌های به دست آمده و فرآیندهای کدگذاری سه‌گانه و همچنین ساخت مقوله‌ی محوری نظارت داشته‌اند.

در جدول شماره ۱ مشخصات مشارکت کنندگان در پژوهش آمده است. لازم به ذکر است اسامی به صورت مستعار ذکر شده است.

جدول ۱- مشخصات مشارکت کنندگان در پژوهش

ردیف	نام مستعار	نام	سن	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	شغل	روش اقدام به خودکشی
۱	زیبا	الهه	۱۶	۱۶	راهنماي	مجرد	بیکار	سمومیت با دارو، دار زدن، رگزنی
۲	هدیه	لیلا	۱۶	۲۱	دانشآموز	مجرد	محصل	سمومیت با دارو
۳		سارا	۲۱	۲۲	دیپلم	مجرد	بیکار	پریدن از بلندی
۴		فرشته	۲۱	۲۲	راهنماي	مجرد	کارگر	سمومیت با دارو، رگزنی
۵		رضیه	۲۲	۲۲	راهنماي	متاهل	خانهدار	سمومیت با دارو
۶		سمانه	۲۲	۲۲	دیپرسان	متاهل	خانهدار	سمومیت با سم
۷		خاطره	۲۶	۲۷	دیپلم	متاهل	خانهدار	رگزنی
۸		نگار	۲۷	۳۳	راهنماي	متأهل	کارگر	سمومیت با دارو
۹		عاطفه	۳۳	۳۴	راهنماي	متأهل	کارگر	سمومیت با دارو، گاز
۱۰		کیمیا	۳۴	۳۴	ابتدایی	متأهل	خانهدار	سمومیت با دارو
۱۱			۳۴	۳۴	راهنماي	متأهل	کارگر	رگزنی
۱۲			۳۶	۳۶	راهنماي	متأهل	کارگر	سمومیت با دارو
۱۳			۳۹	۳۹	ابتدایی	متأهل	خانهدار	سمومیت با دارو و سم
۱۴		نجمه	۴۸	۴۸	راهنماي	طلاق گرفته	کارگر	دارو، سم، پریدن از بلندی

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۱، افراد مورد مطالعه‌ی این پژوهش ۱۴ نفر از زنانی هستند که اقدام به خودکشی کرده‌اند. بر طبق اطلاعات به دست آمده، مشارکت کنندگان در گروه سنی ۱۶-۴۸ سال قرار دارند و میانگین سنی آنها ۲۸ سال است؛ ۹ نفر از مشارکت کنندگان قومیت فارس، ۳ نفر ترک و ۱ نفر قومیت عرب داشتند. از نظر سطح تحصیلات، ۲ نفر تحصیلات دیپلم، ۱۱ نفر زیر دیپلم و ۱ نفر محصل بودند. بیشتر مشارکت کنندگان مشکلات مالی و ممانعت پدر و ازدواج زودهنگام و ممانعت همسر را از دلایل بازماندن خود از ادامه‌ی تحصیل ذکر کردند. در بین مشارکت کنندگان ۹ نفر متأهل بودند که ۲ نفر از آنها سابقه‌ی ازدواج ناموفق داشتند و برای بار دوم ازدواج کرده بودند، همچنین ۴ نفر مجرد و ۱ نفر طلاق گرفته بودند. بیشتر آنها در سنین پایین ازدواج کرده بودند. کمترین سن ازدواج در بین آنها ۱۳ سال و بیشترین سن ازدواج ۱۹ سال بود. اکثر مشارکت کنندگان بیکار یا دارای مشاغل پاره‌وقت کارگری و خدمات منزل و مشاغل خانگی در کنار خانه‌داری بودند و وضعیت درآمدی آنها ضعیف بود. ۷ نفر از مشارکت کنندگان سابقه‌ی اقدام به خودکشی در گذشته را یادآور شدند و ۷ نفر اذعان کردند که تنها یکبار اقدام به خودکشی داشته‌اند. بیشترین روش خودکشی در بین افراد مورد مطالعه به ترتیب مسمومیت با دارو و مسمومیت با سم، رگزنی، پریدن از ارتفاع، دار زدن و مسمومیت با گاز شهری بوده است.

تحلیل یافته‌های پژوهش

این پژوهش به منظور مطالعه‌ی دلایل و پیامدهای اقدام به خودکشی در نظام معنایی زنان شهر شیراز انجام شده است؛ سؤال محوری پژوهش یعنی «زنان چرا و تحت چه شرایطی اقدام به خودکشی می‌کنند؟» بوده است و تفکیک دیگر مقوله‌ها به حوزه‌ی شرایط مداخله‌گر و پیامدی پاسخگوی دیگر اهداف و سؤالات فرعی است. پس از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده در مراحل سه‌گانه‌ی کدگذاری باز، محوری و انتخابی، ۶ مقوله‌ای اصلی و یک مقوله‌ی هسته به دست آمده است. مقولات عبارت‌اند از: خشونت، خانواده‌ی نابسامان، خردمندی مصرف مواد، انزوای اجتماعی، فقر و تعارضات زناشویی. پس از ترکیب، مقایسه و یکپارچه‌سازی مقولات، مقوله‌ی «طرد اجتماعی زنان در بستر فقر قabilیتی» به عنوان مقوله‌ی هسته شناسایی و مدل پارادایمی تحقیق ترسیم گردید.

جدول شماره ۲- مفاهیم، مقولات، مقوله‌ی هسته

مقوله هسته	مقوله اصلی	خرده مقوله	مفاهیم
مفرد زنان در بستر فقر قabilیتی	خشونت	خشونت جسمی	کتک زدن، شلاق زدن، لگد زدن، شکستن اعضاء، چاقو کشیدن، داغ کردن، اقدام به خفه کردن، اقدام به سوزاندن، سوزاندن.
		خشونت روانی	تحقیر شدن، مورد تمسخر قرار گرفتن، بدینی و سوءظن همسر، ناسزاگویی همسر، تهدید به کشتن زن، خیانت، کتک زدن کودک جلوی چشم مادر، کتک زدن مادر جلوی چشم کودکان، تعیض.
		خشونت جنسی	درخواست رابطه‌ی جنسی نامتعارف، خشونت در حین رابطه‌ی جنسی، سقط جنین در اثر رابطه‌ی جنسی، رابطه‌ی جنسی در دوران عادت ماهانه و تحمل رابطه جنسی.
		خشونت اقتصادی	پرداخت نکردن مخارج زندگی، دزدی کردن از زن، زورگیری از زن، فروش اموال زن بدون رضایت وی.
		خشونت اجتماعی	منع شدن از کار، منع شدن از تحصیل، ازدواج اجباری، کنترل شدید رفت و آمد، عدم اختیار برای خروج از منزل، قفل کردن درب خانه.
خانواده نابسامان	از هم گسیختگی خانواده		فوت مادر، خودسوزی مادر، جدایی والدین، زندانی بودن پدر، زندانی بودن برادر، ترک خانواده توسط پدر، انحراف اخلاقی پدر، بد سرپرستی.
	خشونت و تعارض دائمی در محیط خانه		کتک زدن مادر توسط پدر، کمبود محبت از جانب مادر، کمبود محبت از جانب پدر، اختلاف با والدین، مشاجره بین اعضای خانواده.
خرده‌فرهنگ	اعتیاد همسر		صرف مواد مخدر توسط همسر، توهمندی و سوءظن ناشی از مصرف مواد، جمع گریزی همسر معتاد، ارجحیت مواد به احتیاجات خانواده.

مفهوم هسته	مفهوم اصلی	خرده مقوله	مفاهیم
	صرف مواد مخدر	اعتیاد فرآگیر در بین اعضا خانواده	اعتیاد پدر، اعتیاد خواهر، اعتیاد برادر، اعتیاد برادر همسر، اعتیاد دایی، اعتیاد همسر خواهر، صرف مواد خانوادگی، اعتیاد دایی‌های همسر، اعتیاد پسرعموهای همسر.
انزوای اجتماعی	فقدان حمایت اجتماعی		طرد شدن از سوی مادر، طرد شدن از سوی برادر، طرد شدن از سوی فرزندان، فقدان حامی در خانواده، از دست دادن حامی، شرکت ندادن فرد در مسافت خانوادگی.
	انزوای عینی		دور شدن از روابط اجتماعی، گوشه‌گیری، عدم تمايل به خروج از منزل.
	انزوای ذهنی		احساس تنهایی، بی‌اعتمادی به دیگران، احساس فهمیده نشدن
	افسردگی		گریه‌های مکرر، کاهش اعتماد به نفس، اضطراب شدید، استرس، اختلال خواب، افکار خودکشی، احساس نامیدی، بی‌حصولگی شدید، احساس خستگی.
قر	فقدان سرمایه فرهنگی		تحصیلات پایین فرد، کم سودای والدین، بی‌سودای والدین، ازدواج زودهنگام، فقر آموزشی.
	فقدان سرمایه اقتصادی		بیکاری همسر، بیکاری پدر، فقدان درآمد کافی، نبود امکانات اولیه‌ی زندگی، مسکن نامناسب، فقر غذایی، صدقه گرفتن، درخواست مواد غذایی از همسایه‌ها، بدھکاری سرپرست خانواده.
تعارضات زناشویی	اختلاف با همسر		مشاجره، عدم تفاهم، فقدان عاطفه در روابط زناشویی.
	اختلاف با بستگان همسر		دخالت خانواده‌ی همسر، بذبایی خانواده‌ی همسر، کنترل شدن از سوی خانواده‌ی همسر، توقعات نابجای خانواده‌ی همسر.

منبع: یافته‌های پژوهش

اولین مقوله اصلی به دست آمده در این پژوهش مقوله‌ی **خشونت** است که از مقولات فرعی خشونت جسمی، خشونت روانی، خشونت جنسی، خشونت اقتصادی و اجتماعی به دست آمده است. تقریباً تمامی زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش، خشونت را در انواع مختلف آن توسط مردان خانواده یعنی پدر، همسر، برادر و حتی فرزند پسر تجربه کرده بودند؛ اشکال مختلف خشونت علیه زنان چنان درهم تنیده‌اند که تفکیک هرکدام از دیگری به‌آسانی ممکن نیست. برای مثال خشونت جسمی همواره با درجاتی از خشونت روانی همراه بوده است. خشونت اجتماعی و اقتصادی گاهی در کنار هم و در راستای هم به تشدید درمانگی این زنان دامن زده‌اند؛ به این صورت که این زنان از جانب پدر یا همسر خود از مشارکت اقتصادی منع شده و در عین حال تأمین مالی نمی‌شده‌اند یا اگر شغل و درنتیجه اندک درآمدی داشته‌اند با اعمال زور و کتک از آنان گرفته می‌شده است.

فروید^۱ معتقد است زمانی که فرد مورد پرخاشگری قرار می‌گیرد و توانایی پاسخ ندارد، خشم خود را فروخورده و به دو شکل بروز می‌دهد: حالت اول خشم به خود فرد بازمی‌گردد و فرد گرایش‌های خودآزارانه (مانند خودزنی و خودکشی) پیدا می‌کند. حالت دوم

حالی است که فرد خشم را متوجه بیرون و دیگران می‌کند و در صورت امکان به دیگران آسیب می‌زند؛ بنابراین می‌توان گفت که زنانی که اقدام به خودکشی می‌کنند خشم فروخورده خود (در اثر مواجهه با خشونت) را متوجه خود کرده‌اند.

خشونت جسمی: واضح ترین شکل خشونت است که اعمال صدمه و آسیب به جسم دیگری است. کدهای مفهومی به دست آمده از گزاره‌های مشارکت‌کنندگان شامل کتك زدن، شلاق زدن، لگد زدن، شکستن اعضا، چاقو کشیدن، داغ کردن، اقدام به خفه کردن، اقدام به سوزاندن و سوزاندن زنان این پژوهش توسط همسر، پدر یا سرپرست مرد آنها بود که بر خشونت دیدگی این افراد صحه گذاشته است. خاطره ۳۴ ساله خود را قربانی خشونت همسرش می‌داند و بیان می‌کند در روزی که اقدام به خودکشی کرده است ساعت‌ها مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود. وی می‌گوید: «اون روز خودکشی شاید چند ساعت من رو زده، وقتی از سر کار می‌اوامد دق دلیش رو سر من خالی می‌کرد. اون روز به ساعت کشید که من رو زده...».

زیبا ۱۶ ساله و مجرد که بعد از فوت مادر تحت سرپرستی دایی و خاله‌هایش بزرگ شده است اشاره می‌کند: «داییم منو با شیلنگ کتک می‌زد، یه بارم دارم زد، ... یا لیوان شیشه‌ای رو پرت میکرد به من، می‌خورد به سرم به کمرم...». نگار ۳۶ ساله و متأهل دیگر نیز به کتک خوردن‌های خود از سوی همسرش و پنهان‌کاری خود اشاره می‌کند: «زیر چشمم و کل صورتم رو با کتک سیاه می‌کرد. از خونه بیرون نمی‌رفتم تا کسی نبینه».

خشونت روانی: در این پژوهش خشونت جسمی همواره با درجاتی از خشونت روانی همراه بوده است. نکته‌ی قابل تأمل این است که مشارکت‌کنندگان خشونت روانی را با تأکید بیشتری بیان می‌کرند در حالی که در مورد آسیب‌های جسمانی خود در اثر خشونت جسمی به صورت گذرا صحبت می‌کرند. این مسئله می‌تواند بر اهمیت خشونت روانی نسبت به سایر خشونتها صحه بگذارد. این مقوله از کدهای مفهومی حاصل از گزاره‌های مشارکت‌کنندگان که طیف وسیعی از ناسزاگویی و تحقیر زن و توهین به خانواده‌ی او تا تهدید به قتل، تبعیض، سوءظن و بدینه، اجبار به نوشتن نامه اعتراف به خیانت را شامل می‌شود به دست آمده است. هم چنین کتک زدن زن جلوی چشم کودکان و سایر افراد خانواده نیز نوعی خشونت روانی است زیرا باعث می‌شود فرد احساس حقارت و شرم‌ساری کند. کتک زدن کودکان جلوی چشم مادر نیز تحت عنوان خشونت روانی آورده شده است زیرا استفاده از کودک برای تحت فشار قرار دادن زن است و باعث احساس درماندگی و ناتوانی در زن می‌شود. در این خصوص عاطفه ۳۹ ساله می‌گوید: «با مشت زد توی دنده‌ی دخترم که از هوش رفت. منم همون لحظه بچهای رو که توی شکمم بود سقط کردم و افتادم به خونریزی». و نگار ساله می‌گوید: «جلوی بچه‌های کتکم می‌زد، خیلی تحقیر می‌شدم»؛ نگار همچنین در خانواده‌ی پدری خود تبعیض را تجربه کرده است. او بیان می‌کرد که همه‌چیز در خانواده‌ی او برای برادرش بوده است و وی هیچ حق و حقوقی نداشته است. او اشاره می‌کند: «جون دختر بودم از ارث محروم کردن و حتی خونه‌ای که داشتم را به اسم برادرم. حتی یارانه‌ی کل خونه رو میدادن به برادرم. وقتی هم به زور شوهرم دادن بهم جهیزیه ندادن. شوهرم همش به من می‌گفت تو زیادی بودی تو جایی نداشتی تو خونه‌ی بابات».

سارا ۲۲ ساله و متأهل می‌گوید: «یه مدتی با یه خانمی بود و شوهرم کلاً من رو گذاشته بود کنار. همش جلوی مامانش و داداشش می‌گفت تو کی هستی؟ تو چی چی هستی؟ حرفاً الکی و فحشم می‌داد و تحقیرم می‌کرد، روز خودکشی هم فحشی که بهم داد و تهمتی که بهم زد خیلی برام سنگین بود، همش به خانواده‌ام حرف می‌زد، بابات این‌جوریه، داداشت این‌جوریه، مامانت فلانه». زیبا ۱۶ ساله و مجرد در مورد تحقیر خود توسط اعضای خانواده‌اش می‌گوید: «بهم سرکوفت می‌زدن... همش منو مسخره می‌کردن... منم خیلی عصبی می‌شدم».

سманه ۲۷ ساله از ناسزاگویی، شک و بدینی همسرش می‌گوید: «شوهرم همش حرفای بد می‌زد، یه حرفایی بهم میزنه که آدم باورش میشه. فحش میده توی خیابون جلوی همه، اصلاً براش مهم نیست». راضیه ۲۶ ساله بیان می‌کند که مجبور به امضای نامه اعتراف به خیانت شده است. وی می‌گوید: «نامه می‌نوشت که من به شوهرم خیانت کردم و می‌گفت زیرش رو امضاء کن». خشونت جنسی: یکی از اشکال خشونت، خشونت جنسی است؛ تعدادی از مشارکت‌کنندگان به خشونت جنسی همسرانشان اشاره کردند، رفتارهایی از قبیل اعمال خشونت شدید در رابطه جنسی، رابطه جنسی غیرمتعارف و نزدیکی در دوران عادت ماهانه، تحمیل رابطه جنسی و سقط در اثر رابطه از مفاہیمی است که از مصاحبه با این زنان دریافت شده است.

مژده ۳۳ ساله و متاهم از الزام و اجبار به رابطه می‌گوید: «شوهرم دستش که می‌خوره بهم خیلی عصبی میشم. همش با دعوا راضی میشدم».

عاطفه ۳۹ ساله و متاهم می‌گوید: «پاهم از شدت کتک تاول زده بود. موقع سکس کتکم می‌زد. گلومو می‌گرفت. جنون شهوت داشت. دوبار بخار رابطه‌ی جنسی سقط داشتم».

راضیه ۲۶ ساله روایت می‌کند: «شوهرم موقع پریود از پشت با من رابطه برقرار کرد. قبل از اون هم پیش او مده بود که تمایل نداشتم ولی به زور با من رابطه برقرار کرده بود. ولی اون روز دیگه او جشن بود. تب و لرز شدید داشتم و رابطه به شدت وحشتناک بود. باورم نمی‌شد که این بلا رو هم داره سرم میاره، اگر رضایت نمی‌دادم، حتماً کتک می‌خوردم».

خشونت اقتصادی: کدهای مفهومی که در این پژوهش از آنها مقوله‌ی خشونت اقتصادی است خارج شده است عبارت‌اند از: پرداخت نکردن مخارج زندگی، دزدی کردن از زن، زورگیری از زن و فروش اموال زن بدون رضایت وی. همچنان که کیمیا ۳۴ ساله و متاهم می‌گوید: «داداشم بهم یه مقدار پول داده بود، پولارو ازم دزدید. خیلی ناراحت بودم هر چی دعوا کردم پولا رو بهم پس بده، نداد و شب هم خیلی کتکم زد». سمانه ۲۷ ساله که برای تأمین هزینه‌های زندگی، کارگری و نظافت منازل انجام می‌دهد به زورگیری همسر معتقدش و فروش وسایل وی و اجبار او به قرض گرفتن از دیگران اشاره می‌کند: «گفت کارت حقوقت رو بده، ندادم. گفتم واسه اجاره خونه‌س. جلوی همه زد توی گوشم و کارتمن رو به زور گرفت. پولا رو با کتک ازم میگیره. مثلاً همه‌ی وسایلم رو برد فروخت، چون من خونه نبودم پولم نداشته مواد بگیره...». عاطفه ۳۹ ساله نیز به خشونت مالی همسرش و فروش وسایل منزل در غیاب وی اشاره می‌کند: «شال و کلاه می‌باقتم و پول می‌گرفتم. می‌رفتم خدمات انجام می‌دادم تو خونه‌های مردم، پولش رو می‌گرفت می‌رفت مواد می‌خرید همه‌ی طلاهای فروخت. گردنبند یادگاری مادرم رو فروخت».

شكل دیگری از خشونت که زنان این پژوهش با آن مواجه شده بودند خشونت اجتماعی است. خشونت اجتماعی ممنوع کردن زن از ملاقات با دوستان و خانواده، حبس کردن زن در منزل تا مواردی چون جلوگیری از ادامه‌ی تحصیل و اشتغال زن را شامل می‌شود. در این پژوهش کدهای مفهومی به دست آمده از گزاره‌ها عبارت‌اند از: منع شدن از کار، منع شدن از تحصیل، کنترل شدید رفت و آمد توسط همسر، ازدواج اجباری، عدم اختیار زن برای خروج از منزل و قفل کردن درب خانه. همچنان که راضیه ۲۶ ساله از حبس شدن در خانه، کنترل تلفن و... توسط همسرش می‌گوید: «گوشیم رو چک می‌کرد. پیامام رو چک می‌کرد. در رو قفل می‌کرد، هیچوقت اجازه نداشتم خودم تنها برم بیرون...».

زیبا ۱۶ ساله نیز از مخالفت دایی‌اش (سرپرست) نسبت به ادامه‌ی تحصیل خود می‌گوید: «دیگه آخرای مدرسم بود، داییم گفت نمی‌ذارم بری مدرسه». عاطفه ۳۹ ساله نیز به مخالفت همسرش از رفت و آمد با دیگران و کنترل شدید رفت و آمدهایش می‌گوید: «به من می‌گفت جرأت نداری بدون اجازه‌ی من کسی رو دعوت کنی و هیچ وقت هم اجازه نمی‌داد دعوت‌شون کنم....». او با گریه و ناراحتی زیاد از درگذشت مادرش می‌گوید و اینکه همسرش در روزهای آخر زندگی مادرش اجازه نداده است با او ملاقات و

خداحافظی کند و حتی مانع از این می‌شود که بعد از به خاک سپردن مادرش در کنار خانواده‌اش عزاداری کند. سارا ۲۲ ساله نیز نیز از عدم اختیار خود برای خروج از منزل و سختگیری‌های همسرش می‌گوید: «من اصلاً اجازه‌ی بیرون رفتن نداشتم، آزادی نداشتم...». سارا همچنین به مخالفت همسرش با کار کردن اشاره می‌کند: «خاله ام برام کار پیدا کرد، اجازه نداد برم سر کار».

ازدواج تحمیلی یا اجباری نوعی خشونت علیه زنان است که در عین حال که می‌تواند اجتماعی باشد، به این معنا که فرد از بدیهی‌ترین حق خودش یعنی انتخاب همسر محروم می‌شود، نوعی خشونت جنسی نیز هست و همچون دیگر اشکال خشونت پیامدهای سوئی بر سلامت روان و کیفیت زندگی این زنان داشته است. ۷ نفر از مشارکت‌کنندگان این پژوهش (فرشته، نجمه، سارا، عاطفه، راضیه، کیمیا و نگار) بیان کردند که ازدواج آنها اجباری و بدون رضایت خودشان بوده است.

دومین مقوله اصلی که در این پژوهش به دست آمد، **خانواده‌ی نابسامان** است که از مقولات فرعی تعارض دائمی در محیط خانه و از هم گسیختگی خانواده به دست آمده است؛ گیدنر اعتقاد دارد که نابسامانی و تعارض در خانواده تهدیدی جدی برای استحکام جامعه و نظام اجتماعی است. گود نیز بسیاری از کثر رفتاری‌ها و ناهنجاری‌ها را با اختلال در کارکردها و وظایف خانواده و گسیختگی در فعالیت و روابط خانوادگی و بروز شرایط آنومیک ربط می‌دهد. خانواده‌ی نابسامان خانواده‌ای است که کارکرد مثبت خود را از دست داده، از هم گسیخته و دچار تعارض و خشونت دائمی است. این خانواده یا تک والد است و یکی از والدین به دلیل فوت، طلاق یا رها کردن خانواده در محیط خانه حضور ندارد یا هر دو والد حضور دارند ولی مشاجره و درگیری در بین آنان باعث ایجاد تشنج در فضای خانه و بروز مسائل فراوان شده است. تعارض، خشونت و درگیری در بین پدر و مادر، پدر و فرزندان و فرزندان با یکدیگر و عدم وجود احساس همدلی و حمایت، از دیگر خصایص خانواده‌ی نابسامان است. پیامدهای منفی نابسامانی خانواده بر روی زنان به‌واسطه‌ی جنسیتی‌شان بیشتر است. دختران در این خانواده‌ها به این دلیل که حمایت عاطفی لازم را از والدین خود دریافت نمی‌کنند و روابط عاطفی آنها با والدینشان گسسته است، سعی در جبران آن از طریق روابط دوستی و یا ازدواج دارند؛ بنابراین در صورت شکست دوباره در این روابط، دچار احساس طردشده‌گی مضاعف می‌شوند و چون مهارت‌های لازم برای رویارویی با بحران‌ها را ندارند، اقدام به خودکشی می‌کنند. اکثریت مشارکت‌کنندگان مواردی از گسیختگی و نابسامانی خانواده را گزارش کرده‌اند. نابسامانی خانواده در بستری از فقر، اعتیاد و خشونت به ازدواج‌های زودهنگام و تحمیلی منجر شده بود که نتایج این ازدواج‌ها نیز خانواده‌هایی آشفته و نابسامان و در نهایت نارضایتی و آسیب‌دیدگی در این زنان بوده است.

از هم گسیختگی خانواده: زیبا در زمان کودکی مادر خود را از دست داده است و بعد از فوت مادر و در اثر اعتیاد پدر تحت سرپرستی دایی‌ها و خاله‌های خود قرار گرفته است. پدر هدیه در زمان مصاحبه در زندان به سر می‌برد و مادر به دلیل خودسوزی فوت شده است. والدین‌الله از یکدیگر جدا شده‌اند و او در حال حاضر با خواهر و مادر خود زندگی می‌کند. به گفته‌ی کیمیا پدر وی سال‌ها پیش آنها را رها کرده است و آنها تحت سرپرستی مادر خود بزرگ شده‌اند. والدین سمانه از یکدیگر جدا شده‌اند و سمانه تا زمان ازدواج تحت سرپرستی پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری خود بوده است. لیلا به فضای متشنج خانواده‌ی خود و تأثیر آن بر اقدام به خودکشی خود اشاره می‌کند، برادر وی در زندان به سر می‌برد، خواهر وی طلاق گرفته و به خانه‌ی پدری بازگشته و پدر درگیر اعتیاد است.

الهه ۲۱ ساله و مجرد در بیان وضعیت خانواده و جدایی والدین خود می‌گوید: «جدایی پدر و مادرم یک نوع آرامش بود واسه من. توی مدرسه همش فکر می‌کردم الان بایام میاد مامانم رو بزنه الان رفتن پزشکی قانونی... وقتی هم جدا شدن با چند میلیون بدھکاری مامانم رو ول کرد». کیمیا ۳۴ ساله و متاهل در خصوص خانواده پدری خود می‌گوید: «بایام خیلی سال پیش ما رو ول کرد و رفت. ازدواج مجدد کرده بود. ازش خبر نداریم. دیگه مامانم مجبور بود خرج خودش و مارو دربیاره».

سманه ۲۷ ساله خانواده‌ای به شدت از هم گسیخته دارد. وی می‌گوید: «تا یاد میاد مامانم پیشمون نبود، همش قهر بود به‌خاطر اعتیاد پدرم. ده سالم بود که مامانم جدا شد. مامانم ازدواج کرد باهام هم همینطور. پیش پدربرزگ و مادربرزگ مادریم بزرگ شدم که سیزده سالگی هم شوهرم دادن». زیبا ۱۶ ساله از خانواده‌ی خود می‌گوید: «سه ساله بودم که مامانم فوت کرد. هرسال پیش یه نفر بودم یه سال خاله یه سال دایی. خودکشی‌های من همش اثر خانوادم بود. شاید مامانم زنده بود من هرگز خودکشی نمی‌کردم».

خشونت و تعارض دائمی در محیط خانه: اکثربت مشارکت کنندگان این پژوهش به خشونت و مشاجره‌ی دائم در فضای خانه و بین والدین با یکدیگر و با فرزندان و فرزندان با یکدیگر اشاره می‌کردند. لیلا خانواده‌ای به شدت آشفته دارد. وی مشاجرات دائم بین اعضای خانواده، خشونت پدر در محیط خانه و زندانی بودن برادرش را از دلایل خود برای اقدام به خودکشی می‌داند. روایت لیلا ۲۱ ساله و مجرد از خانواده‌اش به این قرار است: «بابام وقتی توی خونه هست بهش پول میدیم میگیم بابا برو واسه خودت یه دوری بزن تا فقط یک ساعت از دستش راحت باشیم. قبل‌که راننده‌ی اتوبوس بود، همیشه یه زن رو با خودش می‌آورد خونه. دوست دخترش رو می‌آورد خونه. می‌گفت بگید من عمومتون هستم. هفت سالم بود دقیقاً، رفتم توی اتفاق بابام رو لخت با یه زن دیدم. الانشم مامانم گوشیش رو جواب میده می‌بینه زنه. یکی از خواهرا رو بابام به زور شوهر داد. خواهرا فقط پونزده سالش بود که آخرشم به جدایی کشید. داداشم از چهارده سالگی به جرم سرقت مسلحانه و تجاوز به عنف زندانه و حکم اعدام اومنه برانش. تو خونه هر روز بحث و دعوا بود. بابام مامانم و خواهرا رو خیلی می‌زد. خیلی حرفای زشتی بهمون می‌زد. مامانم خیلی ما رو میزد».

سمانه ۲۷ ساله به محرومیت از محبت و توجه پدر اشاره می‌کند و می‌گوید: «محبت پدری ندیدم (گریه)». نجمه ۴۸ ساله نیز در مورد شرایط خانوادگی خود قبل از ازدواجش می‌گوید: «روابط خانوادگی‌مون اصلاً خوب نبود، بیست و چهار ساعت دعوا بود. با مامانم اصلاً جور نبودیم...». هدیه ۱۶ ساله و مجرد می‌گوید: «خانواده‌ی من همه از هم پاشیدن. من همش توی اتفاقم. کم حرف می‌زنم همش توی گوشی هستم. با مادربرزگ و بابازرگ و عموم دعوا داشتم همیشه».

سومین مقوله‌ی اصلی، **مفهوم خردمند مصرف مواد مخدر** بود. که از مقوله‌های فرعی اعتیاد همسر و اعتیاد فراگیر در بین اعضای خانواده به دست آمد؛ سابقه‌ی اعتیاد در خانواده بهخصوص اعتیاد پدر، عامل مهمی در زوال سرمایه‌ی اجتماعی این افراد است. افرادی که پدر معتاد دارند نسبت به دیگر افراد، افسردگی و اضطراب بیشتری دارند.

اعتیاد همسر در کارکرد خانواده اختلال ایجاد می‌کند و بر بار مسئولیت‌های زن می‌افزاید. اکثر زنان متاهر این پژوهش خانه‌دار بودند ولی برای جبران بیکاری همسران معتاد خود به مشاغل خانگی روی آورده بودند. آنها به دلیل فشار کارهای منزل، مشکلات اقتصادی ناشی از بیکاری همسر معتاد، عدم رابطه صمیمانه با همسر و... مضطرب و افسرده بودند. تبعات منفی اعتیاد مردان به عنوان همسر یا پدر بر اقدام به خودکشی این زنان کاملاً محسوس بود.

کیمیا ۳۴ ساله و متاهر می‌گوید: «روزگار نداشتم، شوهرم میرفت از خونه بیرون ساعت دو و سه صبح می‌ومد. میرفت خونه قوم هاش. عاشق این بود بشینه خونه قوم هاش دور هم مواد بکشن. این نبود که توی خونه پیش ما باشه، ما هم تنها نباشیم. اصلاً به فکر ما نبود... روز خودکشی دعوا شده بود سر اینکه چرا مواد میکشه، خرجی نمیده، کرايه خونه نمیده، پولا رو دود می‌کنه. طلبکاراش سر به جون من کردن، طلبکاراش زنگ میزدن به من...».

سمانه ۲۷ ساله در خصوص اعتیاد همسر، پدر و برادر خود می‌گوید: «بابام معتاده، داداشم معتاده، شوهرم معتاد. داداشم می‌ومد خونه، همش توی اتفاق با شوهرم مواد می‌کشیدن. خیلی روم تأثیر می‌داشت. توی خیابون مردم رو می‌دیدم، حسودی نمی‌کنم ولی می‌گفتم چرا برای من نشد. بابا معتاد، داداش معتاد، شوهر معتاد. بابام قبلاً می‌خواست منو برای مواد بفروشه...».

خرده فرهنگ مصرف مواد مخدر همچنین زمینه‌ساز ازوای اجتماعی است؛ **انزوای اجتماعی** که از زیر مقوله‌های فقدان حمایت اجتماعی، ازوای عینی و ذهنی و افسردگی مشتق شده است دارای ارتباطی تنگاتنگ با تمامی مقوله‌های به دست آمده است. ازوای از مشارکت و همدلی افراد با یکدیگر جلوگیری می‌کند. افرادی که در شرایط آسیب‌زا به سر می‌برند اگر زیر چتر حمایتی خانواده و اطرافیان و به طور کلی جامعه قرار نگیرند، به میزان بیشتری مرتکب اعمال انحرافی چون اقدام به خودکشی می‌شوند. فقدان حمایت اجتماعی و در عین حال دریافت نشانه‌هایی از طرد شدن از سوی دیگران، باعث قرار گرفتن افراد در وضعیت ازوای عینی و ذهنی و بروز حالت افسردگی و درنهایت افکار و اقدام به خودکشی می‌گردد؛ نتایج مصاحبه‌های عمیق با زنانی که اقدام به خودکشی کرده بودند نشان می‌دهد که این زنان ازوای را هم در سطوح عینی آن (کاهش تماس و ارتباطات اجتماعی با دیگران) و هم به صورت ذهنی (احساس تنهایی، بی‌اعتمادی و نالمیدی) تجربه کرده بودند که به صورت اختلال افسردگی بروز کرده بود.

فقدان حمایت اجتماعی: خانواده یکی از منابع مهم سرمایه‌ی اجتماعی و به تبع آن حمایت اجتماعی (غیررسمی) است. یکی از عوامل مهمی که در اقدام به خودکشی زنان موردمطالعه تاثیر داشته است، حمایت نشدن از سوی خانواده بوده است. بیشتر آنها اظهار می‌کرندند که اگر حمایتگری داشتند هرگز دست به خودکشی نمی‌زدند؛ عطفه ۳۹ ساله می‌گوید: «برادرم هم طردم کرد. پیام داد دیگه خواهری به اسم تو ندارم. برادرم منو ل کرده بود... اینجا دیگه احساس بن‌بست کردم. تنها روزنی‌امیدم از بین رفته بود». عطفه همچنین بیان می‌کند که خانواده‌اش به دلیل رفتار همسرش او را از خود رانده و در مسافرت‌های خانوادگی شرکت نمی‌داده‌اند: «خانواده‌ام به خاطر رفتار شوهرم من رو با خودشون مسافرت نمی‌بردن می‌گفتن توی مسافرت دعوا میشه».

نجمه ۴۸ ساله و طلاق گرفته است، وی می‌گوید: «خودکشی از اولین آوارگیم شروع شد. چون واقعاً پشتی نداشتم کسی رو نداشتم. پسرم از من بدش می‌داد که چرا طلاق گرفتی؟ دخترم هم می‌گه که زندگی من به خاطر طلاق تو تباشد. بعد از فوت مادرش شوهرم زندگیم خراب شد. مادرش شوهرم حمایتم می‌کرد فقط اون پشتوانه‌ی من بود».

راضیه ۲۶ ساله و متاهل می‌گوید اگر می‌توانست به خانه‌ی مادرش برگردد خودکشی را انتخاب نمی‌کرد. او بیان می‌کند: «من هیچ حمایتگری نداشتم. تحت سرزنش شدید خانواده‌ی خودم بودم. در حالی که خودشون باعث ازدواج من شده بودند. از شوهرم مستفر بودن نفرت رو به من هم زده بودن. روزی که می‌خواستم خودکشی کنم، یادم او مدم که مادرم بود منو توی اون شرایط ول کرد و رفت. فکر می‌کردم نه مامانم منو خواست، نه برادره‌ام که نیومن پادرمیونی کنن. مادرم منو نخواسته بود می‌رفتم پیش کی...».

نگار ۳۶ ساله و متاهل نیز می‌گوید: «راهی جز خودکشی ندیدم. خانوادم اجازه نمی‌دادن طلاق بگیرم و برگردم». خاطره ۳۴ ساله اشاره می‌کند که از دوران عقد با همسرش دچار اختلاف بوده و تصمیم به طلاق داشته است ولی خانواده‌اش از او حمایت نکرده‌اند: «چند بار خواستم طلاق بگیرم ولی مادرم اینا گفتن نه زشته، آبروته، آبروته میره، فردا یه زن بیوه محسوب میشه. فکرشون قدیمی بود. واقعاً می‌خواستم طلاق بگیرم. نذاشتند....». کیمیا ۳۴ ساله نیز اشاره می‌کند که: «اگه یه حامی درستی داشتم اگه داداشام پیش بودن، من با این ازدواج نمی‌کردم که به اینجاها بکشه. به طلاق که فکر می‌کردم می‌گفتم کجا برم، رو سر کی برم؟ هرچی فکر می‌کردم، به هیچ جایی نمی‌رسیدم....».

مژده ۳۳ ساله نیز همانند دیگر مشارکت‌کنندگان به فقدان حمایت خانواده اشاره می‌کند: «هیچکس نبود و نیست که حمایتم کنه، خواهram هم بهتر از خودم نبودن. به طلاق فکر کردم، ولی جایی نداشتم، کسی نداشتم....».

انزوای عینی کناره‌گیری و حذف حضور شخص در مناسبات و تعاملات اجتماعی است که می‌تواند خودخواسته یا ناشی از اجراب باشد. زیبا ۱۶ ساله علی رغم تمایل و اشتیاق به حضور در اجتماع و ارتباطات اجتماعی، به گوشه‌گیری و انزوای ناخواسته خود اشاره

می‌کند: «همش توی خونه زندانی بودم. یا تلویزیون میدیدم یا می‌خوابیدم. نه جایی نه تفریحی همش توی خونه. به من اجازه نمی‌دادن تا دم در توی کوچه هم برم».

بیشتر اوقات این انزوا و گوشه‌گیری، ناخواسته و ناشی از اعمال محدودیت همسر، پدر و دیگر اعضای مرد خانواده بر زندگی و روابط این زنان بوده است. نکته‌ی شایان توجه این است که انزوای عینی پس از مدتی به انزوای ذهنی و احساس تنها‌ی، نالمیدی و بی‌اعتمادی به دیگران منجر می‌شود به گونه‌ای که فرد حتی زمانی که در جمع و روابط اجتماعی قرار می‌گیرد احساس یکی بودن با اطرافیان و اعتماد به آنها را ندارد. می‌توان انزوای عینی و ذهنی را در هم تبادل دانست به گونه‌ای که متقابلاً بر یکدیگر تأثیر گذاشته و گستنگی فرد را از محیط و افراد پیرامون رقم می‌زنند؛ در عین حال اگر چه احساس تنها‌ی ممکن است ناشی از نبود یا فقط ارتباطات فیزیکی باشد، بیشتر به کیفیت این ارتباطات اشاره دارد؛ به این معنی که افراد زمانی که حمایت و صمیمیتی در روابط خود احساس نمی‌کنند دچار انزوای ذهنی و احساس تنها‌ی می‌شوند. انزوایی که ممکن است در ظاهر آشکار نباشد ولی فرد آن را ادراک می‌کند و به تدریج به این دلیل که احساس می‌کند درک و حمایت نمی‌شود گوشه گیر می‌شود و حالت افسردگی پیدا می‌کند.

گزاره‌ی عاطفه، مشارکت‌کننده‌ی ۳۹ ساله و به شدت آسیب‌دیده این پژوهش به خوبی می‌تواند احساس تنها‌ی و انزوای ذهنی را توضیح دهد. او که از حمایت و درک شدن توسط دیگران کاملاً نالمید بوده، پنهان‌کاری در پیش گرفته و در نهایت اقدام به خودکشی کرده است، می‌گوید: «یه جوری رفتار می‌کردم که کسی نمی‌دونست زندگیم چه جوریه...» و سمانه ۲۷ ساله و متاهل در توصیف احساس تنها‌ی خود می‌گوید: «دوست داشتم یکی در کم کنه، همیشه میگم کاشکی یکی در کم کنه».

لیلا ۲۱ ساله و مجرد روایت می‌کند: «می‌رفتم سرکار فقط یه گوشه می‌نشستم. نه کاری انجام می‌دادم نه با کسی حرف می‌زدم. فقط کاری که وظیفم بود رو انجام می‌دادم...». زیبا نیز تنها ۱۶ سال دارد و بیان می‌کند که دیگر به کسی اعتماد ندارد: «با زن دایی‌هام در ددل می‌کردم... زنداییم می‌رفت به دخترش می‌گفت. همه از اعتماد سوءاستفاده کردن. همینا منو عصبی می‌کرد».

احساس افسردگی زنان این پژوهش تا حد بسیار زیادی نتیجه‌ی فشارهای روانی است که آنان در زندگی اجتماعی و محیط خانواده‌ی خود تجربه کرده بودند. همانطور که پیشتر اشاره شد تمامی این زنان مورد خشونت روانی همسر، پدر و دیگر اعضای خانوادی خود قرار گرفته بودند.

کیمیا ۳۴ ساله با توجه به مشاهدات محقق و همچنین بر طبق مفاهیم به دست آمده از مصاحبه‌ی عمیق، خلقی به شدت افسرده داشت. او برای تحمل شرایط سخت برآمده از اعتیاد و بداخلالاقی‌های همسر در کلاس‌های آموزشی شرکت می‌کند اما پس از مدتی به دلیل مشکل جسمی از شرکت در کلاس‌ها بازمی‌ماند. در همین پروسه‌ی زمانی افسردگی وی تشید و به نوعی منزوی می‌شود و اقدام به خودکشی اتفاق می‌افتد. او می‌گوید: «کلاً افسرده و داغون بودم، نه می‌تونستم غذا بخورم نه چیزی. زمانی که پام درد گرفت و نمی‌تونستم از خونه در پیام کلاً افسرده شده بودم شدید. روزا فقط کارم گریه کردن بود. هر کی می‌اوید دیدنم وارد خونه نشده بودن، من فقط شرشر اشک می‌ریختم. دلشوره می‌گیرم، میرم توی خودم، به هم می‌ریزم».

با توجه به اظهارات کیمیا می‌توان گفت که گروه‌های دوستی و مشارکت در کلاس‌های آموزشی به نوعی تاب‌آوری فرد را افزایش داده و از خودکشی وی پیشگیری می‌کنند. برخلاف آن، زنانی که گروه‌های دوستی و حمایت خانوادگی نداشته و پیوندهای آنان با خانواده و دوستان به صورت عینی و ذهنی گستته است، به شدت افسرده و منزوی شده و احساس بی‌ارزش بودن می‌کنند و در معرض خطر خودکشی قرار می‌گیرند. همانگونه که از اظهارات راضیه ۲۶ ساله برداشت می‌شود: «شب قبل از خودکشیم همینجوری گریه می‌کردم. ناراحت بودم، به شدت عصبی بودم. شبها تا صبح بیدار بودم. خواب نداشتم. همه‌ی اتفاقاً رو چیدم روحی هم یه آدم کاملاً

بی ارزش برای هیچکس مهم نبودم. هر کاری می کردم هیچی درست نمی شد. از آدمی که توی ذهنم بود، می خواستم چه کارهایی بکنم به چی تبدیل شده بودم. به کسی که توی خانواده ام ارزشی نداشتم...».

سманه ۲۷ ساله نیز نشانه های افسردگی را هم در ظاهر و هم در گفته های خود بروز می دهد. افسردگی که بعد از خودکشی نیز ادامه یافته و به افکار خودکشی او دامن می زند: «اصلًا حوصله‌ی جایی رفتن نداشتم، روحیه‌ام خیلی خراب بود. خیلی گریه می کردم». سارا ۲۲ ساله و متاهل می گوید: «کلاً از صبح تا شب توی خونه تنها بودم. زیاد با خودم حرف می زدم از تنها بی یا مثلاً سرگرمیم شده دنیای مجازی. واقعاً خیلی زیاد خسته میشم. قبل از خودکشی هم استرس شدید داشتم».

مفهوم چهارم، مقوله‌ی **فقر** است. این مقوله متشکل از دو مقوله‌ی فرعی فقدان سرمایه‌ی فرهنگی و فقدان سرمایه‌ی اقتصادی است. مفهوم سرمایه‌ی فرهنگی نشان‌دهنده‌ی پیوند حوزه‌ی اقتصاد و فرهنگ است. از مهم‌ترین نمودهای فقر فرهنگی و فقدان سرمایه‌ی فرهنگی در خانواده می‌توان به تحصیلات پایین‌والدین، جلوگیری از تحصیل فرزندان دختر و ازدواج‌های زودهنگام اشاره کرد.

فقدان سرمایه‌ی اقتصادی به فقر اقتصادی، کیفیت مسکن، بیکاری و مفاهیم مرتبط به آن می‌پردازد. زنان به عنوان گروهی آسیب‌پذیر در برابر فقر شناخته می‌شوند، چراکه فقر آنان فراتر از فقر مادی است. پیامد فقر برای این زنان ناتوانی در حل مسائل، اضطراب و نگرانی نسبت به آینده و درنتیجه انتخاب راهکار خودکشی برای بروز رفت از وضعیت نامطلوب بوده است. فقر در اینجا به مثابه‌ی بستری برای بروز اعمال انحرافی ای چون خودکشی عمل می‌کند.

سمانه ۲۷ ساله می گوید: «سیزده سالم بود عروسی کردم. دیگه نشد درس بخونم. شوهرم بیشتر وقتاً توی کمپ بود مجبور بودم تو خونه‌های مردم کار کنم. درآمد زیادی نداشتم».

سارا می گوید: «توی چهارده سالگی عقد کردم، همه چی خیلی زود شد. دیگه وقتی ازدواج کردم نداشتن من درس بخونم». ازدواج زودهنگام به ورود زنان به چرخه فقر می انجامد؛ در این پژوهش ازدواج زودهنگام و بازماندن از ادامه‌ی تحصیل منجر به فقر آموزشی و در نهایت به فقدان مهارت و اشتغال در مشاغل پاره‌وقت و کم‌درآمد انجامیده است.

مژده ۳۳ ساله، تحصیلات راهنمایی دارد و در ۱۷ سالگی ازدواج کرده است. وی در مدت زمانی که همسرش در زندان به سر می برده است خود عهده‌دار تأمین خانواده بوده است و به مشاغلی چون بسته‌بندی میوه و سبزی روی آورده است. وی می گوید: «نمی‌دونستم چیکار کنم. ۳۰ کیلو سبزی بلند می کردم، پاک می کردم... از صبح تا عصر سبزی پاک می کردم... دیدم با سبزی پاک کردن نمی‌شده، رفتم بسته‌بندی میوه. دخترم رو توی سرما بلند می کردم با خودم می بردم سرکار...». او که شرایط اقتصادی به شدت نابسامانی دارد همچنین می گوید: «بچه‌ی کوچیکم گریه می کرد که غذا می خواهم، نداشتم بلهش غذا بدم، روم تأثیر میداشت... پول دو کورس تاکسی نداشتم». او بیان می کند که بارها از همسایه ها برای کودکانش موادغذایی درخواست کرده است و موقعی که نمی‌تواند درخواست کودکانش را برآورده کند به شدت تحت فشار قرار می گیرد. وی که سابقه‌ی یک خودکشی ناموفق داشته است به کشتن خود و دوکودکش اقدام کرده است که ناموفق بوده است.

عاظفه ۳۹ ساله و دارای تحصیلات ابتدایی اولین بار در سن ۱۳ سالگی ازدواج کرده است؛ او به فقر غذایی، مسکن نامناسب و بیکاری همسرش اشاره می کند: «شوهرم کار نمی کرد. پول نداشتیم. هرجا خرابه بود اجاره می کرد... موقع بارداری دستم خالی بود و تغذیه‌ی خوبی نداشتیم... هرجایی وارد می شدم صندوق صدقات رو باز می کردن و بهم پول می دادم. دیگه خسته شده بودم».

لیلا ۲۱ ساله و مجرد در خصوص بیکاری پدرش می‌گوید: «بابام کار نمی‌کنه. یارانه رو برای خودش برمیداره. هیچ وقت ما یارانه رو نمی‌بینیم».

مفهومی آخر تعارضات زناشویی که متشکل است از دو مقوله‌ی فرعی اختلاف با همسر و اختلاف با بستگان همسر اختلاف و تعارض با همسر و اطرافیان احساس همبستگی را در افراد از بین می‌برد و باعث بروز احساس ناتوانی در تغییر وضعیت، افسردگی و اضطراب می‌شود و فرد خودکشی را به عنوان راهی برای خروج و پایان دادن به مشاجرات و درگیری‌ها برمی‌گزیند. راضیه ۲۶ ساله از نداشتن تفاهم با همسرش می‌گوید: «اون چیزی که توی ذهن من بود با اون چیزی که اون می‌گفت زمین تا آسمون فرق داشت».

سara ۲۲ ساله ابراز می‌کند که هیچ عشق و علاقه‌ای بین او و همسرش نیست: «هیچ دوست داشتنی نبود، هیچ دوست داشتنی نبود... نه عشقی نه دوست داشتنی هیچی نبود بین ما» و خاطره ۳۴ ساله روایت می‌گوید: «شوهرم اصلاً احترام نمی‌داشت بهم به عنوان یک زن. فکر می‌کرد بردہ ام».

از دیگر عواملی که می‌تواند رابطه‌ی زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد و منجر به ایجاد اختلاف بین زوجین گردد، دخالت نزدیکان است. این دخالت‌ها به‌ویژه در زمانی که زن و مرد با خانواده‌ی همسر زندگی می‌کنند، تشديد شده و به اختلافات دامن زده است. مژده ۳۳ ساله که در اتفاقی در منزل مادر همسرش زندگی می‌کند بیان کرد: «اون روز که خودکشی کردم، با مادرشوم دعوام شده بود، بعد که شوهرم اومد جلوی شوهرم گریه کرد و یه جوری و اننمود کرد که همه‌ی تصصیرا رو انداخت گردن من. شوهرم تمام وسایل رو شکست، کلی کتکم زد...».

خاطره ۳۴ ساله نیز از دخالت‌ها و بدرفتاری‌های خانواده‌ی همسرش می‌گوید تا جایی که با متشنج کردن شرایط منجر به خودکشی او شده‌اند: «خونه‌ی مادر شوهرم زندگی می‌کردیم. مادرشوم خیلی توی زندگی مون دخالت میکرد... یه روز که شوهرم از سر کار اومد خونه، نمی‌دونم چی بهش گفتن، خیلی منو زد. تمام بدنم کبود بود، دیگه دیدم نمی‌تونم هیچ کاری کنم، اونام دارن نگام می‌کنن، تحقیر شدم، رفتم توی حموم رگم رو زدم».

سمانه ۲۷ ساله نیز به بدرفتاری‌های خانواده‌ی همسرش اشاره می‌کند: «خانواده‌ی شوهرم می‌گفتن تو صاحب نداری. همه می‌گن چرا رفتین دختری که مامان بابا نداره گرفتین. توی خونه‌ی پدرشوم زندگی می‌کردیم. برادرشوم به خانواده‌ام حرف می‌زد. اون روز داشت می‌گفت داداشش معتماده، دزده، شیشه می‌کشه. منم رفتم قرص خوردم».

راضیه ۲۶ ساله نیز از دخالت‌های خواهراهمسرش در زندگی خود می‌گوید: «یه بار شنیدم که خواهه بزرگش پشت تلفن بهش می‌گفت اگر حامله بود کنترلش کن تا وقتی ما هش به سر بره که بچه بمونه. این اگر پاگیر بشه هیچچکاری نمی‌تونه بکنه». عوامل مداخله‌گری که در این پژوهش شناسایی شده‌اند عبارت‌اند از: محتوای فیلم، کتاب و موسیقی، سابقه اقدام به خودکشی در بین اعضای خانواده، دوستان و آشنایان و سهولت دسترسی به دارو و سموم کشندۀ. بیشتر این افراد شاهد اقدام و تهدید به خودکشی والدین خود در هنگام بروز بحران‌های زندگی بوده‌اند یا محتوای کتاب و موسیقی در انتخاب این استراتژی در بین آنان مؤثر بوده است.

هدیه ۱۶ ساله می‌گوید: «وقتی بچه بودم مادرم خودشو آتیش زد و مرد». زیبا و کیمیا به خودکشی دوست و همسایه اشاره می‌کنند. هدیه همچنین کلیپ‌هایی را به پژوهشگر نشان می‌دهد که موضوع همه‌ی آنها خودکشی و خودزنی است. هدیه می‌گوید: «فیلم

در مورد خودکشی تا دلتون بخواهد دیدم. فیلم‌هایی که دیدم خارجی بودن و با قرص خودکشی می‌کردن... ». نجمه ۴۸ ساله می‌گوید: «وقات بیکاری خیلی کتاب می‌خوندم کتابایی که آخرش می‌رسید به خودکشی...». سهولت دسترسی به دارو و سوموم کشنده نیز به تحقق افکار خودکشی کمک کرده است. همانگونه که مشارکت کنندگان به خیابان و مغازه‌های اشاره می‌کردند که به راحتی و با هزینه ناچیزی به مواد کشنده و سوموم دسترسی پیدا کرده‌اند. پیامدهای اقدام به خودکشی از جانب افراد مورد مطالعه در قالب سه مقوله‌ی مشکلات جسمی، روانی و اجتماعی طبقه‌بندی شده است.

مشکلات و عوارض جسمانی یکی از پیامدهایی است که مشارکت کنندگان به آن اشاره می‌کردند؛ ریزش شدید موها، ایجاد آلرژی و مشکلات پوستی و فراموشی در بین مشارکت کنندگان گزارش شد.

احساس پشمیمانی از عمل انجام شده یکی از پیامدهای روانی است که افراد مورد مطالعه در مورد اقدام خود گزارش کردن؛ همچنین مشارکت کنندگان افکار خودکشی را چه قبل از خودکشی و چه بعد از آن گزارش کردن. با این تفاوت که می‌توان گفت بعد از خودکشی افراد شجاعت بیشتری برای تحقق افکار خود به عمل خودکشی پیدا می‌کنند. این گفته‌ها می‌تواند هشدار دهد که افرادی که اقدام به خودکشی می‌کنند اگر تحت مراقبت‌های روانی و حمایت‌های اجتماعی لازم قرار نگیرند، مستعد خودکشی مجدد هستند. با این تفاوت که احتمال می‌رود در اقدام بعدی آنها از روش‌های خشن و غیرقابل بازگشتی استفاده کنند.

پیامدهای اجتماعی به واکنش اطرافیان خصوصاً خانواده‌ی فرد در برابر اقدام به خودکشی افراد مورد مطالعه می‌بردازد. واکنش‌ها بسیار مشابه و گاه‌آتاً متفاوت ابراز شده است به گونه‌ای که در طیفی از خشونت مضاعف تا بهبود موقت قرار دارند؛ منظور از خشونت مضاعف، خشونتی است مضاعف بر خشونت قبل که صرفاً در اثر اقدام به خودکشی فرد اتفاق می‌افتد. همانند خشونت‌های قبل از خودکشی در اینجا نیز خشونت فیزیکی، روانی و اجتماعی از جانب زنان مورد مطالعه گزارش شده است.

راضیه ۲۶ ساله و متاهل روایت می‌کند: «شوهرم بعد از خودکشی بدینی اش شدیدتر شد. شروع کرد حرفای جدید می‌زد که واسه خاطر کی خودکشی کردي؟ و... ». عاطفه ۳۹ ساله و متاهل می‌گوید: «بعد بیمارستان که دوباره برگشتم خونه باز چاقو آورد که حالا سم می‌خوری؟ مرگت به دست منه. با تیغ موکت بری داغونم کرد توی سرم می‌زد، توی گوشم می‌زد».

نجمه نیز از طرد شدن از سوی فرزندانش می‌گوید: «بعد خودکشی بچه‌هایم هی بدتر شدن... همونجا توی بیمارستان منو ول کردن و رفتن».

گزاره دیگر بهبود موقت شرایط است. سارا ۲۲ ساله می‌گوید: «شوهرم همون موقع که فهمید خیلی ترسید خیلی زیاد. به زور من رو برد بیمارستان بعدش هم عذرخواهی کرد. ولی چیزی عوض نشد».

بهبود موقت شرایط در واقع نتیجه‌ی واکنش آنی و هیجانی نسبت به عمل اقدام به خودکشی فرد است؛ در واقع مسئله حل نشده و شرایط آسیب‌زا کماکان برقرار است، فقط برای مدت زمان کوتاهی در ادامه‌ی شرایط وقفه ایجاد شده است.

مفهوم هسته: طرد زنان در بستر فقر قابلیتی

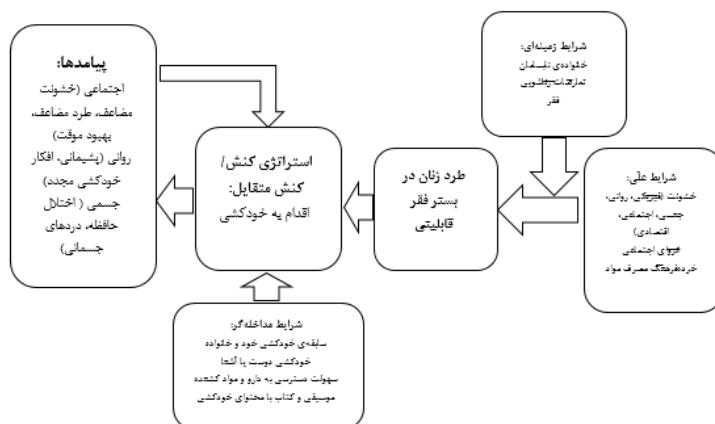
هرچند استخراج یک مقوله هسته که تمامی مفاهیم و مقولات پژوهش را به خوبی در برگیرد یک چالش جدی در روش نظریه مبنایی است با اینحال مقوله هسته‌ی به دست آمده از این پژوهش تحت عنوان «طرد زنان در بستر فقر قابلیتی» تا حد زیادی می

تواند تبیین کننده اقدام به خودکشی در بین زنان مشارکت کننده این پژوهش باشد. مقوله‌ی هسته به عنوان پدیده‌ی مرکزی پژوهش شناخته می‌شود و جریان چیست و در اینجا چه می‌گذرد، «طرد زنان در بستر فقر قابلیتی» است.

طرد اجتماعی راه و روش‌هایی است که در طی آن افراد از مشارکت کامل در جامعه‌ی بزرگ‌تر محروم می‌شوند و گروه‌های اجتماعی و افرادی معین از اجتماع، طرد و به حاشیه رانده می‌شوند و درنتیجه به سختی می‌توانند فرصت‌هایی برای بهبود شرایط خود پیدا کنند. همچنین پدیده‌ای چندوجهی است و فراتر از ابعاد مادی و کمبودهای اقتصادی بر دامنه‌ی متنوعی از محرومیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دلالت دارد؛ همچنین افراد ممکن است به طور اجباری یا اختیاری طرد را تجربه کنند؛ طرد اجباری اشاره به «دیگر بودگی» افرادی دارد که محرومیت را به خاطر جنسیت، سن، توانایی، جایگاه شغلی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نظایر این تجربه کرده‌اند.

یکی از ابعاد مهم طرد، فقر شیکه‌ای یا سرمایه‌ی اجتماعی ضعیف است که افراد را از دریافت کمک‌های غیررسمی و حمایت‌های اجتماعی محروم می‌سازد. خشونت علیه زنان یکی از مسائلی است که با سرمایه‌ی اجتماعی و منابع در دسترس آنان ارتباط دارد، به این معنی که زنانی که سرمایه‌ی اجتماعی و منابع بیشتری در اختیار دارند، کمتر مورد خشونت قرار می‌گیرند و در نتیجه سلامت جسمی و روانی آنان کمتر مورد تهدید قرار می‌گیرد. خشونت‌دیدگی می‌تواند در کاهش سرمایه‌ی اجتماعی زنان مؤثر باشد. افسردگی و عدم دریافت حمایت از سوی نزدیکان در نهایت انزواه اجتماعی آنان را به وجود آورده و خانواده‌ی نابسامان، خردمندی مصرف مواد و فقر نیز بهنوبه‌ی خود به عدم دسترسی به فرسته‌ها و افول و کمود سرمایه‌ی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در این زنان دامن زده است.

طرد اجتماعی بخشی از فقر قابلیتی است و بهشت با موقعیت بی‌قدرتی زنان در ارتباط است؛ یعنی در اینجا فقر جلوه‌ای از سلب آزادی‌ها و توأم‌نده‌های اساسی است. در این شرایط و در مواجهه با طرد، افراد به شیوه‌های متفاوتی عکس‌العمل نشان می‌دهند و برای داغم دوباره دست به انتخاب راهبردهای مختلفی می‌زنند؛ در این پژوهش زنان در مواجهه با پدیده به طردشدن و در بستر فقر قابلیتی و احساس بی‌قدرتی و ناتوانی در تغییر شرایط، استراتژی اقدام به خودکشی را برگزیده‌اند.



شکل ۱- الگوی پارادایم اقدام به خودکشی در نظام معنایی زنان

نتیجه‌گیری

در راستای شناخت علل اقدام به خودکشی زنان، زمینه‌های اقدام، روش‌ها و پیامدهای اقدام به خودکشی و ورود به نظام معنایی زنانی که اقدام به خودکشی کرده بودند، این مطالعه با استفاده از روش نظریه مبنایی انجام گردید؛ حاصل تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق انجام شده با ۱۴ نفر از مشارکت‌کنندگان در مراحل سه‌گانه‌ی کدگذاری باز، محوری و انتخابی، شش مقوله محوری و پس از ترکیب، مقایسه و یکپارچه‌سازی مقولات، مقوله‌ی «طرد اجتماعی زنان در بستر فقر قابلی» به عنوان مقوله‌ی هسته شناسایی شده و مدل نظری پژوهش به دست آمده است.

با توجه به یافته‌های پژوهش و مدل پارادایمی می‌توان گفت که اقدام به خودکشی زنان تحت تأثیر یک شرایط خاص رخ داده است. این شرایط در سه دسته طبقه‌بندی شده‌اند که عبارت‌اند از: شرایط علی، شرایط زمینه‌ساز و شرایط مداخله‌گر. در این پژوهش شرایط علی که به ایجاد پدیده انجامیده است عبارت‌اند از: خشونت، ارزوای اجتماعی، خردمندی مصرف مواد؛ در حالی که خانواده‌ی نابسامان، تعارضات زناشویی و فقر بسترها مشترک و زمینه ساز وقوع پدیده بوده است. شرایط مداخله‌گر که راهکارها را سهولت بخشیده یا محدود می‌کنند شامل سابقه‌ی خودکشی خود و خانواده، خودکشی دوست یا آشنا، سهولت دسترسی به دارو و مواد کشیده، موسیقی و کتاب با محتوای خودکشی است. تمامی این شرایط در امتداد با یکدیگر باعث شده‌اند پدیده‌ی «طرد اجتماعی زنان در بستر فقر قابلی» به وجود آید و استراتژی زنان در مواجهه با این پدیده و به هدف ادغام دوباره، انتخاب راهکار «اقدام به خودکشی» بوده است.

اشکال مختلفی از طرد وجود دارد که یکی از این اشکال حالتی است که طرد احساس می‌شود، ولی دیده نمی‌شود؛ مورد خشونت واقع شدن از جانب افراد در محیط اجتماعی و یا در محیط خانه و از سوی اعضای خانواده به شیوه‌های مختلفی به طردشدن این زنان انجامیده بود. زنانی که مورد خشونت قرار می‌گیرند، در واقع طرد عاطفی را تجربه می‌کنند و دلیل رفتار خشونت‌بار دیگران را در خود جست‌وجو می‌کنند و در نهایت اعتمادبه‌نفس خود را ازدست‌داده و خودبازاری را در خود می‌کشند. افرادی که دچار کمبود اعتمادبه‌نفس و خودبازاری هستند، توانایی مشارکت در جامعه و محیط اجتماعی را از دست می‌دهند؛ خشونت اجتماعی و مالی به‌طور مستقیم و محسوس باعث جلوگیری از حضور زن در جامعه و کسب قابلیت و توانمندی می‌شود، اشکال دیگری چون خشونت جنسی و روانی به‌طور غیر محسوس ولی مستقیم بر پدیده‌ی طرد اثر می‌گذارند، تمامی اشکال خشونت علیه زنان آثار سوئی بر روان زن بر جای می‌گذارد و باعث می‌شود زنان درنتیجه‌ی از دست دادن عزت‌نفس و خودبازاری دچار افسردگی و انزوا شوند.

مسئله فقر در بین این زنان، مانع از انجام برخی فعالیت‌ها و مشارکت اجتماعی می‌شود؛ این مسئله گاهی پیامد خشونت اقتصادی و در عین حال در اینجا نتیجه‌ی فقدان سرمایه‌ی فرهنگی است؛ ازدواج زودهنگام به عنوان یکی از مصاديق فقر فرهنگی، به موقعیت طردشدن این زنان دامن زده است، چراکه زنان در اثر ازدواج زودهنگام از تحصیل بازمانده و دانش و مهارت لازم را در زندگی کسب نکرده و در شکل‌دهی به هویت خود با مشکل مواجه می‌شوند؛ بنابراین زنی که تحصیلات زیادی ندارد، در سنین کم ازدواج کرده و یا متعلق به خانواده‌ای از هم‌گسیخته است و تحت خشونت قرار دارد، فرصت و شانس خود را برای حضور و مشارکت در اجتماع از دست می‌دهد.

خانواده‌ی نابسامان به عنوان یکی از عوامل زمینه‌ای این افراد را از منبع اساسی و مهم سرمایه‌ی اجتماعی یعنی خانواده، محروم کرده است؛ اهمیت و جایگاه خانواده در سلامت روان افراد و نحوه نقش پذیری و کسب توانمندی در اجتماع غیرقابل انکار است. خردمندی مصرف مواد خصوصاً اعتیاد پدر و همسر که غالباً با فقر و سکونت در مناطق حاشیه‌ای و آسیب خیز همراه می‌شود، به نوبه خود موجبات طرد را فراهم می‌کند و همراه با عوامل دیگر به تشدید ارزوای فرزندان و زنان این خانواده‌ها می‌انجامد.

تعارضات زناشویی علاوه بر اینکه تأثیر منفی بر روابط بین زوجین می‌گذارد، به دلیل اینکه پیش‌بینی کننده‌ی افسردگی و دیگر اختلالات روانی است، می‌تواند زمینه‌ی طرد را فراهم کند و در بستر فقدان توانمندی زنان در حل مسائل و تعارضات، منجر به انتخاب استراتژی خودکشی شود.

در چنین شرایطی زنان به دلیل زندگی خشونت‌بار، ستمدیدگی و ناتوانی خود، حمایت لازم را از افراد خانواده و سازمان‌های اجتماعی دریافت نکرده و مضاعف بر آن به دلیل شرایط ناخواسته‌ی خود مورد سرزنش و شماتت قرار گرفته‌اند، آنان بیش از پیش احساس تنهایی و نالمیدی کرده، دچار افسردگی و انزوا شده و در موقعیت طرد اجتماعی قرار می‌گیرند. آنها دیگر راهی برای مشارکت در جامعه نمی‌بینند و به شبکه‌های اجتماعی کارکرده نیز دسترسی ندارند که در آنجا پاسخ علایق‌شان را بیابند و اگر به لحاظ اجتماعی در نظر بگیریم، آنها هیچ نقش مهمی برای بازی ندارند(هورتلانوس و همکاران، ۱۳۹۴، ۵۷). تمامی این شرایط در بستری از فقر قابلیتی رخ می‌دهد، فقری که نتیجه‌ی ساختار نابرابر، فقدان آزادی، عدم دسترسی به منابع و فرصت‌های آموزشی و درنتیجه عدم توانمندی زنان در حوزه‌های مختلف است.

در ادامه باید گفت که در انتخاب این کنش و استراتژی، شرایط دیگری نیز دخیل هستند؛ عوامل مداخله‌گری که عبارت‌اند از: محتوای فیلم، کتاب و موسیقی، خودکشی خانواده، دوستان و آشنايان و ... چراکه همان‌طور که در نظریه‌ی یادگیری اجتماعی بنده‌را آمده است، رفتار انحرافی آموختنی است و در فرآیند رابطه با افراد دیگر آموخته می‌شود. این زنان که از یکسو خود را فاقد حمایت می‌بینند و از سوی دیگر به‌تنهایی خود را قادر به بیرون آمدن و تغییر این شرایط نمی‌بینند از محتوای فیلم، کتاب و یا کنش اطرافیانی که در وضعیت مشابه با خودشان قرار دارند الگو گرفته و به خودکشی اقدام می‌کنند. آنها این عمل را به این امید انجام می‌دهند که یا با مرگ از این موقعیت رهایی بیابند و یا فریاد اعتراض آنان شنیده شود و هستی و وجود خود را که مدت‌ها نادیده گرفته شده و به نوعی نامرئی شده است به معرض نمایش بگذارند و در نتیجه شرایط آنان بهبود یابد؛ در اینجا نوع روش و چگونگی اقدام به خودکشی تا حد بسیار زیادی پژوهشگر را به هدف فرد رهنمون می‌سازد؛ به این معنی که اگر فرد با روش‌های خشن تری به این عمل اقدام کند، قصد وی رهایی از شرایط و بالعکس است. در این پژوهش بیشتر افراد با روش بیشینه دارویی به خودکشی اقدام کرده بودند.

اقدام به خودکشی به عنوان یک راهبرد که ناشی از ناتوانی و بی‌قراری این زنان در تغییر شرایط به نحو دلخواه است، در بیشتر موارد نه تنها مسئله را حل نمی‌کند، بلکه خود دست‌آویزی می‌شود تا آنها مجدداً طرد و مورد خشونت قرار بگیرند؛ اقدام به خودکشی در این شرایط، راهبردی است از روی ناتوانی که به ناتوانی بیشتری می‌انجامد؛ اما در موارد انگشت شماری اگر که در اثر اقدام بهبودی نسبی حاصل شود، ممکن است فرد این راهبرد را مجدداً و در هنگام رویارویی با مسائل دیگر نیز به کار گیرد. در عین حال در صورت عدم وقوع تغییرات مثبت و یا حتی وخیم‌تر شدن شرایط این احتمال می‌رود که فرد مجدداً این راهبرد را در جهت پایان دادن به زندگی، در پیش بگیرد تا عمل ناتمام خود را این بار با قتل خویش به اتمام برساند؛ بنابراین می‌توان گفت چگونگی پیامدهای اقدام به خودکشی بر وقوع یا عدم وقوع مجدد آن اثرگذار است.

راهکارها و پیشنهادات

به طور قطع مهم‌ترین اقدام برای کاهش خودکشی در بین زنان، توانمندسازی و ارتقای سطح مهارت و افزایش تاب آوری در بین آنهاست که از طرق مختلفی می‌تواند انجام بگیرد از جمله:

اصلاح و بازبینی قوانین خانواده، برگزاری کارگاه‌های آموزشی از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه‌ی خانواده، زنان و کودکان، افزایش پایگاه‌های خدمات اجتماعی و به‌تبع آن اورژانس اجتماعی در مناطق مختلف شهر و بهویژه مناطق حاشیه‌ای،

حمایت، مراقبت و توانمندسازی زنان و کودکان متعلق به خانواده‌های درگیر اعتیاد از طریق سازمان‌های اجتماعی دولتی و غیردولتی برای پیشگیری از رفتارهای انحرافی و برهم زدن چرخه‌ی اعتیاد و آسیب در این خانواده‌ها، سوادآموزی و ارتقای آگاهی زنان کم‌سواد و بی‌سواد بازمانده از تحصیل و در عین حال آموزش راهنمایی کسبوکار خانگی برای زنان خانه‌دار و سپرپست خانوار، آموزش مهارت‌های ارتباط بین فردی برای بهبود کیفیت روابط بین زوجین و در عین حال آموزش تاب‌آوری، شناسایی افراد اقدام کرده به خودکشی از سوی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و حمایت و مراقبت روانی از این افراد تا بهبود کامل وضعیت روانی، به کارگیری مددکار و روان‌شناس در مدارس برای شناسایی افراد مستعد به خودکشی و مراقبت ویژه از دانش‌آموزان دختر در معرض آسیب و ایجاد و تأسیس خانه‌های امن در شهر شیراز برای پذیرش زنان آسیب‌دیده و در معرض آسیب ضمن آموزش و توانمندسازی آنان برای ورود به بازار کار و مشارکت اجتماعی.

جلوگیری از وقوع ازدواج‌های زودهنگام با آموزش و آگاهسازی خانواده‌ها از طریق رسانه‌های رسمی همچون رادیو و تلویزیون و سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه‌های اجتماعی نیز راه کار دیگری برای تضمین سلامت روان زنان در جامعه و پیشگیری از مسائلی همچون اقدام به خودکشی است.

تسهیل شرایط آموزش رایگان برای دختران خانواده‌های کم درآمد و اختصاص کمک‌هزینه‌های تحصیلی بلاعوض به آنها در جهت کاهش پیامدهای فقر و برهم زدن چرخه‌ی فقر در این خانواده‌ها نیز می‌تواند راه حل مفیدی برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی چون اقدام به خودکشی زنان در جامعه باشد.

منابع

- ابراهیمی، مهدی(۱۳۹۳). فقر درآمدی، فقر قابلیتی و طرد اجتماعی: روندشناسی تحول مفاهیم در بررسی فقر و محرومیت، *فصلنامه تأمین اجتماعی*، شماره‌ی ۴۵، ۳۳-۵۵.
- احمدی، حبیب و ابوترابی زارچی، فاطمه (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و میزان خودکشی در استان‌های کشور، *فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، سال ۱، ۷۹-۶۳.
- اسلامی نسب بجنوردی، علی (۱۳۷۱). بحران خودکشی، چاپ اول، تهران: انتشارات فردوس.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: نشر روشنگران مطالعات زنان.
- امیرمرادی، فرشته و همکاران (۱۳۸۴). بررسی علل اقدام به خودسوزی زنان متأهل، *فصلنامه‌ی حیات*، سال ۱۱، شماره‌ی ۲۵-۲۴.
- براتوند، فرشته و مهری بابادی، شهلا (۱۳۹۰). خودکشی یک معضل اجتماعی و پرخطر روبه رشد. *اصلاح و تربیت*، ۱۰، ۱۳-۷.
- بنی‌فاطمه، حسین، عباس‌زاده، محمد و حکمت، عزیز(۱۳۹۰). تبیین تأثیر خشونت بر گرایش به خودکشی: مطالعه موردی دختران و زنان ۱۵-۵۰ ساله‌ی پیرانشهر، *نشریه‌ی دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی*، سال ۱۴، شماره‌ی ۳۵-۳۴، ۵۴-۲۷.
- تايلر، استیو (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی خودکشی*. ترجمه‌ی علی موسی نژاد، تهران: انتشارات اصفهان.
- تايلر، استیو. (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی خودکشی*. ترجمه‌ی علی موسی نژاد، تهران: انتشارات اصفهان.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا و قلی‌پور، سیاوش. (۱۳۸۹). مدرتیته و خودکشی زنان و دختران لک. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۱، شماره ۱.

- خسروی، زهره و خاقانی فرد، میتر(۱۳۸۳). بررسی رابطه همسرآزاری با تمایل به افکار خودکشی و آسیب‌رسانی به همسر در زنان شهر تهران، مطالعات زنان، سال ۲، شماره ۶، ۹۹-۱۱۳.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۸). خودکشی. ترجمه نادر سالار زاده امیری، تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبائی.
- دیلینی، تیم، (۱۳۹۴). نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی تهران: نشر نی.
- رحمانی، عاطفه، بدره، محسن و میرحسینی، زهرا (۱۴۰۲). پدیدارشناسی خودکشی زنان در منطقه دیشمونک. زن در توسعه و سیاست، دوره ۲۱، شماره ۴.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۹). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). دیره المعرف علوم اجتماعی. چاپ اول، تهران: انتشارات کیهان.
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۹). خشونت خانگی علیه زنان، قم: مرکز نشر هاجر (وابسته به مرکز حوزه‌های علمیه خواهان).
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی اجتماعی. چاپ هجدهم، تهران: انتشارات آوای نور.
- ستوده، هدایت الله. (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی اجتماعی. چاپ هجدهم، تهران: انتشارات آوای نور.
- شادی طلب، ژاله، وهابی، معصومه و ورمذیار، حسن(۱۳۸۴). ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فقر و نابرابری در ایران / فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار، رفاه اجتماعی، شماره ۱۷، ۲۴۸-۲۷۷.
- شایگان، فربیا (۱۳۸۲). خودکشی زنان، جرمی خاموش علیه زنان، مطالعات راهبردی زنان، ۵، ۱۹. ۹۷-۶۹.
- صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۸۶). مسائل اجتماعی جوانان، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی). تهران: انتشارات آن.
- عارفی، مرضیه (۱۳۸۱). بررسی میزان خودکشی در سطح استان آذربایجان غربی بین سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ و دستیابی به برخی از متغیرهای اثرگذار بر آن، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، سال ۳۲، شماره ۱، ۱۶۲-۱۴۱.
- عنایت، حلیمه، هاشمی کتكی، سیده ریحانه و محمدی، محمد. (۱۴۰۱). بازسازی معنایی خودکشی زنان به روش نظریه زمینه‌ای (مطالعه موردی زنان خودسوتخته بستری در بیمارستان سوختگی شهر اصفهان). پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، سال ۱۱، شماره ۳۷، ۴۶-۲۱.
- عنایت، حلیمه و حسینی، میریم (۱۳۹۶). بررسی پدیده خودکشی در استان فارس، تحلیل مسائل و آسیب‌های اجتماعی کشور، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- عنبری، موسی و بهرامی، اردشیر(۱۳۸۹). بررسی ارتباط باورهای فرهنگی با خودکشی در شهرستان‌های کوهدهشت و پلدختر، مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۱، ۱۵۴-۱۲۱.
- فیلی، علیرضا (۱۳۸۳). بررسی جمعیت شناختی خودسوزی زنان بستری در بیمارستان قطب‌الدین شیراز، پیک نور علوم، شماره ۱۷، ۵۶-۶۸.
- قادرزاده، امید و پیری، کوهیار (۱۳۹۳). برساخت اجتماعی خودکشی: ارائه یک نظریه‌ی مبنایی، پژوهشنامه‌ی مددکاری اجتماعی، شماره ۲، ۱۱۴-۹۳.
- قاضی نژاد، میریم و سالاوان پور، الهام(۱۳۸۷). بررسی رابطه طرد اجتماعی و آمادگی برای اعتیاد، مسائل اجتماعی ایران، سال ۱۶، شماره ۶۳، ۱۳۹-۱۸۰.
- کرایب، یان. (۱۳۹۴). نظریه‌ی اجتماعی کلاسیک، ترجمه‌ی شهناز مسمی پرست. تهران: نشر آگه.

کلدی، علیرضا و گراوند، اردشیر (۱۳۸۱). بررسی خودکشی در شهرستان کوهدهشت، فصلنامه‌ی علمی – پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۲، ۶، ۲۹۵-۲۹۴.

کیوان آراء، محمود (۱۳۸۴). اقدام به خودکشی به عنوان یک ابزار ارتباطی برای زنان، تحقیقات علوم رفتاری، شماره‌ی ۵، ۲۹-۳۸.
گودرزی، محمدعلی (۱۳۸۰). تحولات جدید در فهم و درمان رفتار خودکشی، تازه‌های روان‌درمانی، شماره‌ی ۱۹ و ۲۰، ۵۴-۳۵.
محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی بالینی، حیطه‌های مداخلاتی، جلد دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
مرادی، سعدالله و خادمی، علی (۱۳۸۱). بررسی وضعیت خودکشی‌های منجر به مرگ در ایران و مقایسه آن با نرخ‌های جهانی، نشریه‌ی پزشکی قانونی، شماره‌ی ۲۷، ۲۱-۱۶.

مرتون، رابت (۱۳۷۶). مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه نوین توپایی، تهران، امیرکبیر.
مشونیس، جان (۱۳۹۵). مسائل اجتماعی ۱، ترجمه‌ی هوشنگ نایی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
ممتأز، فریده. (۱۳۸۷). انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
مهران، ناهید، بوالهری، جعفر، اصغر نژادفرید، علی اصغر و میری، محمدرضا (۱۳۸۳). ویژگی‌های روانی-اجتماعی اقدام کنندگان به خودکشی در مقایسه با افراد عادی در بیرون، مجله‌ی علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرون، دوره ۱۱، ۲۲-۲۸، ۳.
هورتولانوس، رلوف، مشیلز، انجا. و میوسن، لدوین. (۱۳۹۴). انزواج اجتماعی در جامعه‌ی مدرن، ترجمه‌ی لیلا سرابی و صادق پیوسته، تهران: جامعه‌شناسان.

- Devries, K., Watts, C., Yoshihama, M., Kiss, L., Schraiber, L. B., Deyessa, N., ... & Berhane, Y. (2011). Violence against women is strongly associated with suicide attempts: evidence from the WHO multi-country study on women's health and domestic violence against women. *Social science & medicine*, 73(1), 79-86.
- Douglas, Jack.D(1967), "The social meaning of suicide", Princeton University.
- Kavak, F., Aktürk, Ü., Özdemir, A., & Gültekin, A. (2018). The relationship between domestic violence against women and suicide risk. *Archives of Psychiatric Nursing*.
- Pearson, V., Phillips, M. R., He, F., & Ji, H. (2002). Attempted suicide among young rural women in the People's Republic of China: possibilities for prevention. *Suicide and Life-Threatening Behavior*, 32(4), 359-369.
- Rojas, Y., & Stickley, A. (2014, February). Informal social capital in childhood and suicide among adolescent and young adult women: A cross-sectional analysis with 30 countries. In *Women's Studies International Forum*, 42, 1-8, Pergamon.
- Sun, L., & Zhang, J. (2017). Gender differences among medically serious suicide attempters aged 15–54 years in rural China. *Psychiatry research*, 252, 57-62.
- Weiss, Sandra J., Diana I. Simeonova, Hristina Koleva, Maria Muzik, Kristen D. Clark, Aysegul Ozerdem, Bruce Cooper, and Robert T. Ammerman. "Potential paths to suicidal ideation and suicide attempts among high-risk women." *Journal of psychiatric research* 155 (2022): 493-500.
- Younis, Maha Sulaiman, and Riyadh K. Lafta. "Suicide and suicidality in Iraq: a systematic review." *Medicine, conflict and survival* 39, no. 1 (2023): 48-62.